

مجلس السلطان در تحت حفاظت فائزانه دارد در پیرش و کتب اعمال و شبانه کویه . پس از غمخیزان در در پیرش  
بیع الدوله معنی کرده و قدام سلطان را بخت حکومت در آنجا گذارد . پس شش که از احوال محمد علی پسر  
زودند و بیفونول روس برای برگرداندن آنان فرستاد .

فغان یکی از جارات جنگی روس که متنی در بندرگاه انطا لکوانه اخنه بوشاق دیگر و نوکوی روس  
تمام جارات تبارتی را که دارد بندرگاه و نه تجسس کرده س فریم را پیشش و بعضی را دسنگیر کرده سعادت بدو  
دقتیکه قشون محمد علی گشت خورده متفرق شده کثیر از روس آنها از نوکوی روس در استرآباد  
پناه خواسته و نول هم آنها را پذیرفته و جدا از استرآباد آنها بکوت ایران برار برست استکلاف نمود .  
پس کیسون روس در کبده قادیس پیش نه رفته با محمد علی گفارش نمود پس از آن بمر ماریت خود خود  
نموده ترکمانهای نیمه ایران را با تهدیدات مجبور بحدت با محمد علی گسجمود . پس کیسون فروردیه با آباد آمده و  
خود را حکم معنوی آنها نموده است در حالیکه قشون محمد علی بدون شرافات دارند .

در بندر خیز دیگر و نوکوی روس با عده ذاق روس با کور در ایران را دسنگیر کرده همچون استرآباد  
فرستاد و به بنایات و حسیکی باورشان کردند .

در رشت یعده در خایر روس ساج دبر در کتایب از مستعین و نوکوی روس در آنجا یک نفر تبعه ایران  
را دسنگیر کرده و در آنجا برف موت زدند و اعلام داشته که هر کس بگریزد از جا جنمضان معین ایران  
که در آنجا بود پیر گوید نخواهند زد .

یکی از ستمه بین نوکوی روس در رشت در این اواخر عده زیاده از بیع روس و در خانه خود حکومت  
نموده و در عدم ایت شهر صحبت بیان آورد چون این اقدام ذری غشیده و مقصود او غنرشه و در بیار روس را  
بباید ستاده اغتشاش برپا کند . تمام برادر ریشه اغتشاش پیدا کرده در عذر دفع اغتشاش قشون روس دارند  
پس از حرکت محمد علی زود کرده کینه جنمضاب روس برهم درین راه را و به باززدش همه شش  
در راه نماند بشهر ترمان با در رجعت نمود .

در موقعی که دولت ایران در طهران یکی از رشتا میر ارتجاعون محمدالدوله را در ۲۳ روزه از رشتا بکوه ایرا  
روسی فرآ بجات او در حالت کرده استخلاص او را حاصل و فرآش را در رشتا منحصن کرده . اثریکه

مکن است در صحبت دادن شاه مملوک که از تو کجاست بر ضد ایران بریزند، ایران در پیشه مکن است  
رویه دیگری داشته باشد و مکن است غیر روس که اکنون بگوازی قیامت با محمد علی نشسته است در غم پادشاه مملوک  
که با همه خیر قصد عبور از دریای راداشند و نیز از بیات او بدست خود خبر داده باشد اما عموم مردمان ایران این عقیده  
که این موضوع دامن غیر نخواهند داد.

حال پیشیم، مورین رگروس در ایران در مورد حال داخلی که پیش بوقت لازم گویند بخواهیم  
را نموده اند. در روز ۲۹ ژوئیه (۳ شعبان) قول قول موتر روس در صفهان بطوریکه منی اعلام رساند، ملاحظه بود  
صریحا در عهد جدید که برود حیات است راجع بکفایت شرطیت برای کارکنان همایون ایران در دنیا بطوریکه  
« موافق اطلاع که بقونسلگری رسیده است صورت جدید صفهان بخوار مجسمه زر علیا در ایران و کسب  
داند که بفرمان مملوک حال خارجه در کجاست محمد علی مکران نمایند و آمدن او را در ایران بدست نمایند. و در  
قیامت اخبار میدارد بهر جا دیگر که لازم است مقررین اعلام شود چون عمر ایران و ایرانیان است بدون  
رحمت بفرمان بنده و قولها در دست بیهوده اند.»

و بعد از آنهم مجدداً بنویسید :

« بدون جهت در سند محمد علی سفارت مینه در روسیه را تصبیح و قولها در دست بیهوده  
کارگذاری در خط و تقیید حکومت در جویگر و شناع این غیر شایسته است و باید بقیام سریند.»

لطرات فوق حاجت بخیرند.

رئیس الملک محمد ایران عالم سابق در پسر او یوسف بیات در هر چه بود و شاهانه در جویگر  
قبلی از شاه بیوان که همیشه طرفدار شاه مملوک بوده اند در میان و در این میان دستگیر و در تبریز محبوس گردید.  
در ۲۶ ژوئیه (عشر شعبان) قول قول ژنرال روس در تبریز از جانب ایالت خلاصه او را ملاحظه نموده و بعد از آن  
و وجود دان کرد که رئیس الملک بحکم دولت محبوس است و سید نفوس باز میخورد و در ایالت  
مستغنی ایران زده و بنایب ایالتها کرده رئیس الملک را از محبس کشید، خود برود و چندین وقت که  
صین رئیس الملک با یغیان شناع اندر که تبریز را تعدیر نمودن می کردید. در جواب اعتراض مملوک  
راجع باین سند سفارت روس را بشوید خود در حکم قول قول ژنرال تبریز از خان مملوک را



فمنزل روس در پشت ازین هم تجاوز کرده و بدست ایران اعلام نمود که عازم است بر سر راه که تصویرت روس در حق  
دستبرد در صورت محقق کرده و تا آخرت این غیثات نخواهد بود.

در ۲۱ ژوئیه (۵ شعبان) که در تاریخ درود او بماند ایران زمانی گذشته و هنوز پیش از آن در تخریب نموده بود  
و انگلیس مراد محمد آملی زیر را که صلیب است به حق بدست شاه ممنوع باشد بدست ایران روس در این  
« چون شاه سابق بر طرف بستگی که کار از او تعیین انگلیس در روسی باشد که از سر زودن ایران بدست  
بیران نموده در لفظت انگلیس در روسی است بدین در که شاه سابق حق خود را از دست از که بر او بیرون  
بطل نموده اند . کن در طرف دیگر درت انگلیس در روسی همین تصویر نمیکند که چون شاه سابق از که بیخ نشاند درت انگلیس  
در روسی نمیتواند اذیت کند . بنا برین درت انگلیس در روسی اظهار میدارد که در شاه زودن بدست ایران روسی  
داده میشود و حاضر نخواهد نمود . »

این مراد از طرف چنان که در هر که در وسط غفلت چیزی از زبان دیگران در دفع نشود در حالیکه خود  
آنها میرانند و بیسکونه حوادث را بدو نموده بودند تعجب و دلداد سر بر می نظر آید . و اگر باز همین اعلان اسطر از ارجح  
کرده بودند حرفی نبود . در اینجا بیسکونه با اظهارات قبلا در نظر آید در دست روس توسط غیر کبر خود تقیم  
بشاه ممنوع داده بچگونگی بوده است . همین سخنون شرحیکه نمیرود تا در اینجا بقیه از آن که زبان فارسی را میداند و از زبان خود  
چند ساعت قبلا در دفتر شیشه در روزنامه علیه کورخه « کنگره درج است از تقدیر است :

« از وقت محضیت دین در دین حاکم کردیم بغیر کبر روس بماند تا آمد زراد سادات خود بستم گفت که  
نمودند سادت یار . روس و غیره زراد سادات را جاج ایران بسته اند که بتوانند از آن خلف نمایند و ممکن در روز در  
بسیچ در وقت گفتند . ولی در طرف دیگر میدان شما بدست اگر بر له شما کاری نیستیم که بقیه شما هم در این  
خود شما باید بمانند که چه از پیشان برود اگر بداند تحت و قاج ایران بتواند خود را از این اقدام بکند  
بدانند که نمیتوانیم شمار انگلیس و اگر از جمله بر بناید استخوان نخواهیم بود . آنوقت با بغیر کبر بقیه  
بمانند این است که فرضی با برید جواب داد غیر ممکن نیست . سرچ کردیم و میداد در اوقات خود بمانند  
بند برت . بیشتر با راهمانی کرد که اگر شما سیدها از بابت جواران که در بانک استقرار در لندن و  
در دست در بر از آن بابت بتوانید پول در بماند و ایراد می باشد که در این وقت

این بود که حسرت بگری از هر گونه تغییر عمده در اوضاع قدیم پیر ایران نبیند. این تمام تبعیضات و زحامت دیگر رفتنی است  
بنام زحامت و حیات شخصی نیست بن گوشتشای خام در کوفته دولت ایران تزلزل نمود. اگر چه سبب آن کار و دست خشن بعضی  
مقتضی بود که در اولی بکلی با اثر باشد. در وجه تبعیضات این بود که سفرنامههای مخصوص کمالات شاهی نوشته و برای  
وصول عایدت کردی مامورین از جانب خود بکارند.

در ماه ژوئیه گذشته در نقض ماده ۱۱ معاهده نامه (پودنگل) ۷ سپتامبر ۱۹۰۷ روس و آلمانی مخصوصاً در  
محمد علی پادشاه مملکت را مجاز داشت که از خاک روس در این باره بمنزله روس در (تبعیه توقیفات و غیره) بر سر رخ محمد علی  
شکایات میسر بر ضد ایران گوناگون می نمود بدینجه که بوجوب رعایت است که در رسد الله و الله قبل از قتر داشته است محمد علی  
خود بایش حضور و صدوقای تفنگ و توپ بسم بارک سندان از خاک روسیه عبور نمود. از بی زبانه روسیه در  
روز چهارم روسی موسوم به (دکتر استورس) با همراهم حرکت نموده و تقریباً مقارن ۱۸ ژوئیه (۲۱ رجب) با کشتی  
مکمل کشتی در کیش به خاک ایران ورود نمود. گوئیم که این وارد شد چه حادثه غیر متوقع بود و مامورین مذکور روس در  
ماموریت خود یکبار به است غفلت بوده اند پیرایه که روس واقف ازین حادثه تا سف کریدیم خبر؟ بر خلاف آن  
بمانند که نماندگان سر روس در ایران خبر ورود او را تا آنکه ایران بیک سرت غمگین نمودند. در زمان آن کتب  
خوب داشتند که بندها را بر سر مملکت بر سر خوی مامورین ایران با هم سرت رستور شده.

در تاریخ ۲۳ ژوئیه ۲۶ رجب اوست یعنی بر سر شریعتان قانون نامه مهموم نهادگان در سال ۱۳۲۶  
از خاندان تریب مملکت جواب نوشته و فقط خاطر ادباً در وقت بر بعضی از مولد جهده نامه زکما چار حجب بودند  
روس در زمان اول یک سنگ در کشتی آبرنی بود و در ضمن بعضی ایرادات دعوی نمود که حق دارد در  
بعضی از نریبای غیر قانونی خود را که در حواله فضا در طرف واقع است شرکت نمیند (ستیفنا و دیگران) و در هر دو  
موسوم بوجه آنها را در نظر دارند. معصودا صلی دعوی بزور درین موقع باز بویکه دست آوری اجازت  
در مامورین بریند که بعضی نسبت تحت روس هرگز نگیند. شورش بود که ماموریت حیات بر ضد مامورین  
نامه مامورین تبعیه و سنگین است. در این باره هیچ حواله است که گفتند تا ماموریت تبعیه و سنگین  
چونکه در هر کتب مامورین خود را که مامورین و متحدین خود بود و بسیار کتب مامورین

تھی میروزوہ سہ طبعی

بوجب کونف روز دزنه ن مورف ۱۸ کتبر (۷۴ سوال) روز ناه طبعی دریک بتا نه با ن فطر سیدرد که ا طوارا  
خبره دیناب راج خدیت صلت روی دروضع اصوات با ایران دو وقت صلت کتبر رس درای نکت صج  
دعاری از صحت است .

اگرچه برین پنم درین نزعات داخل نوم و لا است موضع و خفا که بصافیت کتبر در یات تخرانایه نوز نای  
طایس و مختصر نظر که برین فر خود ارم مو توفیق بکارش با کتوب داشته تقاضا پنم در سونای روز ناه خود در پنم دروا  
این کتوب کتیر است از شمه از دفع و متافین نوز درین پنم ناست تم در ایران چه متفاد صحت نظر ختم نوز که در دس  
دو تر و قن پیوسته است .

پس ازده تده بطرفه درین خانی و گذشتہ از اوردید در بیدر از ان تا که شخص طرف بوده در فظ و فرغش بنده  
کتبه ثبوت بیانات در حقیقه که کوره فون صوح کوریم . و بیسر است تحت در و پنم رسد و بشکر کور کون مطیع خواتم  
انانی نوز برده .

در روز دهم ۵۰ مه ۱۳۰۲ هجری اولی است . سه نفر سعادت اربکانی یک منظور و یک کلایب اسر سنی چند تبار  
باشه در طهران ششم . در سیزدهم دون ۱۵ جمادی الاخری بمس لانه قازنه سو که خودم مسودن کرده بودم ندر توب  
بقدرت نامه در امورایه بجزانہ دارا داده شه . مقصود از این نوان کتیر کتیر رس از ماکرات جاس نوز در این است که شت دروا  
پس جو که صارت انفا کتوش با یه ایران را در وقتان نظم در توب در آورد . است در راه و بس نوز بقول با خاق از  
انرا تصویب نمود . جای این بددولی در دارا در صبح در پنم مشه پس سنا تا تر نوز . من زمانه تیره بر عکس شه . اگر چه  
دیگر محکم پیروز در است . سنا جدا اظهار به ارم که بر این کتیر شه . بود که روی هم رفته پنم که و پنم عدده از کار کتانی  
خارج در خیابان سعادت روی بنه و پنم مخصوص بود که مراد از اجراء قانون پیروز در است و کتیر نوز است عمومی صج  
کتیر نوز در نوز در کتیر صج . سنا از نزه آن بر عید این توب بسیار کت دولی در روز ناه

نسبت زیاد بودند نتیجه این به نفعت اگر چه به نفع است اینست که در این چندین سال که در این باره بحث  
 در این باره در حقیقت به نفع کشور و نفع موفقت متحدین است . . . و این در هر یک بطوری است که  
 توجه این نکته شود صرف نظر از اینکه معیبه هر این در حقیقت در هر این که در هر این که در هر این که  
 مایه که در دست دارم بدون بوده در این مایه است که در هر این که در هر این که در هر این که  
 این افتاده ام که لا اقل به سبب یک لایحه رسمی عمومی متضمن کلیه تجویزات در این موضوع از زمان ورود بطهران  
 انگار بموطنان خودم رایج نمایم . بیسی است اقدام به این کار از روی نهایت آسف خود بود . ولی در این  
 بین دولت و دانش هم اتفاق مراعات انصافی لازم است . و در این موضوع مخصوص تصور میکنم که اعمال  
 من بطوری صاف و بی عیب است که در هر این که در هر این که در هر این که در هر این که

❖ انتهای کتب ❖

در نظام جریبات اینها که معلوم خواهد شد که در هر این که در هر این که در هر این که در هر این که  
 بهت مادی مایه خزانه دار کشور در تباطلی ندارد و در هر این که در هر این که در هر این که در هر این که  
 اولاً در مقدمه این قرارداد چنانچه طبع و در تمام عالم منتشر است . . . سبب است که انگلیس در روسی متصان  
 که نهایت دستمال ایران را در همه شانه و در هر این که در هر این که در هر این که در هر این که  
 خود را برای حفظ نظم و در نهایت و آبادی ایران اعلام داشته اند . یکی از موارد اولیه استقلال که اصل  
 قانون بنی اساسی است حق فیصله امور داخل است و سایرین مابقی بر مملکتی ازین حق خارج نیست .  
 تا این مقصود واضح قرارداد در هر این که در هر این که در هر این که در هر این که در هر این که  
 در قفسه راه آهن و بانک و کرافت در هر این که در هر این که در هر این که در هر این که در هر این که  
 خود در جزایر کرده و اندک حایر خود نیز در این موضوع مصلحت نمایند ولی سکه ماز را بگویم که اقبار  
 ماز را بگویم راه آهن است و در این باره در هر این که در هر این که در هر این که در هر این که در هر این که  
 شیخ را با دینیتوان بر جزایر و با مصلحت تعیین بسیاری از طرف است انگلیس از روی این جهت  
 نمود . خطای دیگری که در نظر این دولت بر آن گرفت این است که در هر این که در هر این که در هر این که  
 بود وزارت امور خارجه انگلیس به نفعت که اعلام ماز را بگویم ماز را بگویم ماز را بگویم ماز را بگویم

این اظهار است . کما فی حدیث خود وزیر محمد تقی بن که در این مرسوم درج شده است  
این اظهار است .

دولت ایران بی گناه صحت و برحمت این قرار داد و نسبت بخود تصدیق نماید و در این  
مضامین یک سندی واضح و روشن باشد . روح آن تبیین پذیر نیست . اکنون که قشون محمد علی و سایر اهل  
فتح و شرف گردیده اند و قبر از گناه دولت ایران بوزیر برادر آینه جنطراب و محتاج در صحت دکه در صورت  
رعایت مفاد نامه پرده کنی در این آوردن در سال گذشته در جوگیر سردار محمد علی لازم نیگودا نغز نامه  
اعلام شود که در است انگلیس برادر تقویت مستقیمین تو نونا بنابر مختلفه خود جناب دارد و فرج سواره سندی کج  
ایران اعلام دارد . ویلی که برای دعوت قشون سپاه و زنا بنر طرف جنوب دختش برادر است . در باب  
دختش برادر با بر گفت پناه طولانی که تا همین اواخر بقوم الملک دشمن صلبر قشانه در قشون نه انگلیس در  
دادند اکتال حکومت مرکزی برادر است در ادبیت انجا بر سه کمال رسانید خصوصا اینکه پر قوام در این  
در بر این سخن در عرب بر ضد حکمران سابق نظام سلطه کوششهای بی پایه نمودیم نظره عموماً این سخن  
هندی انگلیس در این موقع بخوبی ایران باب این خواهد شد که همه زیادری از قشون اینر بهانه های  
کوچکتری بشمال ایران دارد شود .

تایید با اظهار است خود را بوی فکر که در دست توقف بجا به خودم در طهران اتفاق افتاده و در  
دولت این موقع بهیچ وجه رفتار غیر در تنه روس انگلیس بود در تبیین نماید . شایان اثر در زبان گذشته تمام عالم  
داده شد در موافقت لغت انگلیس در روس خود را بنویسند سخن تزل داده و بنده خبر آید به تکرار شایع  
نویسند ایس بر خود را بعقب کرد زیرا که در خبر آمده ختمند و این است که از برای ملک ایران است  
نایدان در زمان در طهران نسبت بر دولت ایران در تمام این مواقع وزیر امور خارجه ایران در مورد نقض صحیح  
در این شونات ایران اعتراضات رسم نموده و کبر و قدر و بیکر بچوخت اکتا بر سید علی هر سار هم جهان  
برین است . شایه بسیاری از این وقیع دلیل کافی برای اعلان محاربه نباشد و شاید بعضی از دنیا را بخیر  
چون این بیان بشکر از ما سوز جز بوده است . حال آنکه در کمر کوفتی دولت معتبر که بجز خبر آنها را کرده است  
هم مشتاق کرده . شکران نیکو هیچ آدم بشکر از ما سوز حتی حقیر روس انگلیس نسبت ایران ندارد .



باید اگر سنواری کند که این قدرت چه قدر بیشتر باید داشته باشد تا آن در ایران دارد. و چون ایران آن قدر  
در ایران که معتمد وقت کرده باشد که این احتمال است اصلاح باید ایران که تا نوط با دارد و قوی است  
در یک دو خط که بگویند قوی است که بزرگ قوی خود را در نفسی مملکت محوس داشته چنان خود را  
مادر یک مملکت نموده باید در جوی که از آباد چنین مملکت را داشته دارد مادر یک رفتار صحیح در این کشور  
باید منتظر خود خواند در جریان است تا اینکه عظم دولت را در نظر خود دیدن برده و منتظر مملکت را که در  
نگاه بلند از پیشه کوششای مصر و در اصلاح باید منتظر است و باید بدیده بیطرف است که بگویند در چنان  
انگیزات و ادعای ایران تا آخر درجه مملکت وجود است. این انگیزات بجزدی خود تا چند سال در  
از عقب خود نداشت. اگر این انگیزات زود کوششهای خوش خارج و مملکت ترسیدن و حال در کشور  
ایران که پوسته عقیب بنام پیروزیم که ایران خج خراب است. اگر بخواهد برادر مملکت است برای  
بیشتر باید خیر کند یا برخصیر شود. در راه آنرا باز با بر رفتار قریب است یعنی نقطه از نفوذ متصرف  
اگر خیر باشد میان ایران از یک دولت در تمام مملکت به بر قدرت خود را در خود. اگر مصلحت  
موجب جهت دولت ایران بر این ترتیب خواهد بود. دولت که یک و با در آن غیر از  
که بیرون یکی خود را بپوشد و این برای دولت شدن دست خیر و با نه و اگر از یک دولت که  
بشنود بر عده دنیا بعدی نباشد که مملکت یک تمام به بر طرف اصلاح خواهد بود. در این تمام  
بتر و تعجب بنام علی بر یک کجند و چه بگویند بختها باشد. هر چند ممکن مملکت تمام قدرت خود  
هر چند که در شرف و خاک و تن بقصد داده باشد. و از آنکه که ما او را که یک کنیم.

حقایق دوقه بقره در این مزمه شرح است که در این مملکت اصلاح در این مملکت  
ذکر شده فقط نوند است و هر کس در صحت آن کجا داشته باشد و با دیگر آن مملکت که در  
و بیخ در مثال و با ثابت بود.  
اندا میسر درم که روزنامه طایس یک اطلاعات فوق حسی صد انچه که بران بود  
در این مملکت در این مملکت (۲۴) خود را در این مملکت در این مملکت



برهان بیستی زود در ابرته پیران فارغ از افضون و عازر در صحت است گذر به خود بود

بعضا

برهان خود استرا

بعضا

[www.adabestanekave.com](http://www.adabestanekave.com)

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, covering most of the page. The text is densely packed and difficult to read due to the fading and slant of the handwriting.

نشاند و نگردد که بیخ اهمیت و در درجه نخست در دین و در دین کار می بینیم که مردم و دولت که در دستش است  
 شده است و قوه قضائیه است چه باشد نیست و زود عظم قصد می بیند که بدون اصلاح و در ارتقاء نیست و تقسیم  
 عدالت در تمام محکمت است انجام مقصود دولت در این زمینه مکتب خواهد بود و عقیده وزارت امر فریب این است و باید در  
 دولت شروع به اصلاحات قوه قضائیه کرده در سیکر عدلیه قانونی در ولایات رسیده و این لازمه در ترتیب بود و تقسیم  
 بذل همه بر معنی فایده. اصلاحات حوزه مازاد در ولایات و اصلاحات و در ارتقاء مکتب فریب بر مردم و معترضین بود  
 دولت عهد و توقع شد.

در سیاست خارجی هم تکلیف دولت ایران اینست که در همه و تا این استقلال سایر اقتصاد می شود باشد. در سیاست  
 استقلال سایر کشورها تجدید نظر در عهد باجرات و مقادلات و نسخ شرایط مضره گناه و تخصیص استقلال اقتصادی باشد. دولت  
 در این زمینه بر سر محکمه خود در شرایط مضره استقراضهای باقی خلاص کرده در استقراضها با استقلال اقتصادی مرفهت کند  
 که در شرح در بر می بیند مقصود عبادیه بر مذکورات واقع گمانی که در هر این شود و در دست امر فریب بطوریکه مکتب بعضی  
 اولی عظم دولت در دنیا مردم سید در میثاقی در سیمایون بصر ایران با مریکا در سیاست امروز دنیا تمام معترضی در  
 کرده و بر نقاط لازم مردم شود تا در اینجا چه در ارتقاء عامه و چه در حال فریبی مقاصد دولت ایران را در هیچ در است  
 دولت تا روزی در هر حال رو بآید مقاصد بزرگ نباشد. یعنی است محکمه مردم چنین میثاقی را در اولی دولت  
 نصیب فرزند و سر راهبر می بر می میثاقی فرود آید می شود در واقع امر سعادت کن میثاقی در واقع کرده.

بیشتر بطوریکه نیست مردم و زود عظم مقصود است و حصول مطابقت بر آنکه منظر دولت و ملت ایران است و  
 اولیاء دولت بر سر مختلفه بیشتر است و انجام گناه در موقع مسیح زودم سازند آن در نظر نیست و زود عظم مکتب

عصیان

دوره سنی در قمری شدن نایبند دولت ایران در کفر سرخ و در یک نایب کان سرخ  
بیطرافت بزرگه کثرت بدین حدت در دوره دولت ایران بر طبق مصدوم دول تمام است  
در خاک ایران

دینا همین تمامت رضی و استقامت ایران در همین کن بر سید بن زول بطریق که همه مردم  
فرز و در نایب که تمامت با این وصول سید در سید همه مردم ۱۹۰۶ در روز دوشنبه ۱۳۱۱  
کلیه صحنی در دولت که حتی بر همه مردم در هر دو جنبه ایران ایران در آن سرزاد شود  
در بر همه دولت در دوره ایران از طرف دولت تمام است

دینا کثرت نظر به سید همه دولت در دولت ایران، دولی که بر همه مردم  
کثرتی استقامت دولت ایران کثرت در هر دو جنبه

بسیار تمامت سرخ که بر همه مردم در دولت  
تمامت سرخ استقامت ایران بدین کثرت در همه مردم  
دوره چهارم

تمامت سرخ کثرت سرخ در ایران و همین تمامت که کثرت ایران تمام است



رایس خلق و برتری ایران مجلس فریاد عمومی

هر یک از ما حصار محبت کنی فرمودند مولی

جزای خیرشان در راه از اینجاست که باید در این

طوری عقیده نمود ما تمام و قریب است مردم سر

درست باشد در تمام مردم ایلی بدون

استاد خواستش در این صبح و عصر

با کف دست بر سر کشید و در یک دست

عبارت نمود سر بر سر و دست او علی سنا

من برای کسی نمیشد بریزد

سایه کبریا همی است من نبودم کلهای خانه

باز خود در دست بر سر نهادن خودش

۱۷۶

اقای قی زاده کرد  
 و فریب و فریب  
 باو

سنگ فرزانه فرزیده ملک اندیش را و به سارنبر و به تبار

از اینکه خواست و توانایی پاکیزه در آن مهربان میروزی بخش و فرزندی بر از زندگی بخت و پاس یادری  
 بنده کان منت خسرو دادگر ایرانیان پناه شاهنشاه اول نگاه کیوان با گاه کیانی تحکامه هایونی که در نگارند گایش  
 پاینده نگاه فری فرمانروائی خسروش فراینده باور بسیدن فرخنده بگام زردین و بسیار بوده خورشید  
 گیتی فرود بکاخ بره اندر شده جهان جهانیان از زردی رستان ستر روی بسیر ستری و خرمی بهار زندان  
 حسن فیروز جمشیدی و گزین نوروزش اندوز خوردی است بشکون این روز فیروز با است  
 دانسته با فرونی پاس متاسی کجانه مهر آینه و پاچا و انش سگاه به فرخنده وی شیرین کام گردیده خود  
 یاد آور نموده خواست و آرزویان آنکه این جشن فیروز بود مهر آمد و کس کار و کس کار و بستگان و دیگرگان  
 فرخنده و همایون بوده چاره و پیوسته با بخشش از روی اقوفی خواسته بسیار بی ریش آسایش فرود  
 سایه همایون دادگری شت شاهنشاه گیتیان پناه بخت بهارگاه خسرو و دیگر فرخ روزگار شاد و خرم  
 و خرمی و فیروزی و ساز و پاید با شداید و ن یادیدون ترج باو در انجام میدادیم  
 پاکیزه انسان بار و پادرو پشته پناه بوده دره و خوانی و فرخنده باوی برخیاں بخشیم در بهر بافی خوانند  
 پذیرفتیش از این گستاخی بوده فرونی زندگانیست را از زردان مهربان خواهیم (سلام اندر در روز و روز)

برخیاں سنیر گوی خسرو پرت  
 بخمن باصری زرد و شستیاں

فعلت في حقك ما لم تفعل في حق  
 وسلك في حقك ما لم تسلك في حقك



مد ظلة المصالي

الحمد لله الذي جعل في كتابه  
 ما لا يحصى ولا يعد ولا يدرى  
 ما لا يحيط به ولا ينفذ ولا يدرى  
 ما لا يحيط به ولا ينفذ ولا يدرى  
 ما لا يحيط به ولا ينفذ ولا يدرى  
 ما لا يحيط به ولا ينفذ ولا يدرى



جانب سقايا شرف ارفع معطيت عندك كان رفيع الشان منعم آتاي امين لدولة صدر اعظم

اذا ملكك كلف الله ولم يملك  
 فلا تسلط لكف ولا انفسد رعا  
 على الله اطلاق النور في رايته  
 فلا يسعد نورا ولا يسلط نورا



و اذا اكراميات منكره البيرل  
 اروضه بخيلنا ل محمد غيا



# هو الله تبارک تعالی شانہ

## خلاصہ نطق حضرت اقدس والا فرمان فرما و محرم کشینہ

دوم شوال ۱۳۳۵

چون در زعیمه بواسطه پذیرائی نطف موم و فیلد و سایر برسیات معموله برای ایام طبله  
 موع شرفیابی عمومی بود و محرم کشینہ و دویم عیب اجماع کشیری از اعلام و تجار و فضلا  
 و نامحققین غالب اصناف برای تبریک عید و رعایا تا اتمی حاضر شدند حضرت باری  
 پس انرا بجا رحمت انزادی و لطف خاص نسبت به موم وار دین بر خوایستند و شرفی طلبی  
 بامتدیان فرمودند که نظامه آنان ذیل درج میشود

ای برادران من ای پهلوان من ای اهل فخرس ای مردم ایران  
 بخت و سسید که حافظه متوق و نگارنده آب و خاک مومرونی اجدادی ما ست و امید  
 بخش سادات آیت فخرت مشروطه است که خداوند محض تقصیر کامل خود و مدعی از این پیش  
 با عطا فرموده بواسطه بعضی علل حیثی و بجران و انگلیت برایش بوفیق آید بجهت  
 و شروع میشود برافزاد ما ملت و اسب و لازم است که با یکدیگر بومی - بیخ بومی خاص  
 و اتحادی صدوری بجهت بومی که متوی توانی بنظر حال باشم این نعمت خدا داد و در  
 استیصال کرد و تدبیر بشناسیم. کتر کسی است که لطافت و دارا است استبداد و بر

بکی

و آزادی و حیثیات دشمنان ترسانند با شهبه زمانهای استبداد را دید و ایم هر یک  
 اگر اولاد خورا و آن ازنده بسیاری شنود بخواهیم بخاطر او ریم هر کس از شرف و  
 آن آبروی خواهد داشت من خود با ایکه محتاج نبودم و از آن قدین هکلت در  
 حساب سیاه مردم و متبراشتم که درجه منظره نیست خود را بگویم و ساکت نشستم طوری در  
 آن زمان استبداد دستور انراض بود که خود هم بی انظط کومین محرم شد م از کون  
 با جبار آوار و رسته که میجویر آن سه سال در کرمای عربستان تحمل بود قسم مایا است  
 کردم سبغ کزانی اموالم را مجبور شدیم در بلاد خارجه بنصرف رسد م دیگر اگر  
 سایر جزئیات و مصائب ناشی بای انچه در اینجا هم شریح دهم و عهد ماست و  
 خسارات خود و بار انظلم استبداد حکایت کنم حجاج بیطقال و آریخی شریح است  
 بعینه سبک بگویم حال من که با اتقاد و غرت و تروت و هیبت انم عالی در هکلت م  
 این بود و یا حال بیچارگان و ضعیفان چه بپروید که در زمان بیخبره و معمول  
 خبر مشربطیت از این نعمت و شنیدن اینخیز طوری شادمان شدیم که نور با هم  
 تقاضای آمدن کجس مران کردیم همیشه روزار تنها و سکه ستا بود و ما هم از این  
 هکلت بر ان خوب یافته بودم و بر اید خارجه را خوانده از سی سال قبل بان میدانم  
 و حتی که در هکلت مکن نبود و بیکی از انخیز فنا بشام کسم برسد من ندمتای دل و آزا و براسبت هم  
 حال آنکه شسته به بنیده رکافی است که همی از تاریخ زندگانی خود گفتم از حیثیات و مشاهدات  
 خودتان در این بیان که تا توقف من در فخرس صحبت میداریم. بر محرم شما معلوم است

من



من در چه موقع انقلاب دبی ترتیبی مملکت وارد چهارس شده با چه زحمات و اهتمامات طرف  
 و شوارقان مخطتم شد. وضع ترتیبات بیرونها و اطراف را با هزاران موانعی که در کار  
 بود با استواری سابقه ملاحظه و قیاس کنسید چه میزان فرق کرد محبوسین و متعین بودن را  
 با هزاران مشکلات زانها رفع اتهامات نمودم. در چنین سال حسنی و مجاهدانه چه تدابیر  
 عملی بجهت تسلیل تهیه پول و مدارک نامان و راهی که مردم که عموم شما با تصدیق ازادی و آزادی  
 که اگر این اقدام شده بود بسیار با از گسستگیا تلف شده بود و مقصد بانان  
 تا و تمام از تجارت و معروضین همسناف و صلحا بودند. و میدانید چه مبلغ مصارف کردم  
 در چنین سال قحط و غلای نهایت مشکلات دارالبحره ایجاد نمودم که در هر سال گزشت تا  
 روزی در هزار نفر تخمینا و ضحفا و عجزه در اینجا غذا میخورند و نامان سیر و نذران  
 منزل و آتش و طبیب و غیره لوازم زندگی از آنجا مرتب بود و چنانچه همه میرفتند و ملاحظه  
 میکردید. ترتیبات آرا می شهر آن لحظه شهر آن ادارات ان اینها یکدیگر هیچ بیجا بیل  
 و مینه نیستند کاری لازم ندارد و عیبانی و حتی است از او مملکت دیده اید و می بینید  
 دانسته اید و میدانید صدای تنگنا که در شهر هزارها شبها ناله بود و در گرفتاران است  
 حال قبل از ورود و مراد با وضع حال مملکت بنظر انصاف و حق کوئی متعاری کنسید و بگر تطویل  
 در کلام لازم نیست و اشتباه را میدانید که کسی است که از عموم طبقات پیس من  
 نیامده باشد و حال اشتغال روز و شب مران دیده باشد که چنین حسنه ساعتی پیش خواب  
 نازم و تمام را با این کسین کار کرده ام حال ما هم آجان در بدن دارم نفس دارم از خدمت

مملکت

مملکت از جانفشانی در راه نوب و طاعت از مدارک و سایل رفاه عمومی خود را و قیقه فارغ نیتوانم  
 داشت از خسارت و در خدمت روز و شب و تحمل بهر سختی طاقت در راه و وطن حاصل نمیکند  
 تیریکه در خدمت و وطن بر جان من برسد برای من از شهید مصفا کو ارا ترا است  
 و وطن فروشی نکردم اما خیانت بوطن نمودم اما از حقوقات مملکتی انفضال آتد با هیچ مضامین  
 بهکس ندادم. همیشه معین ضعیف بودم اما صدمی و حتم به جور و اعتداف انعام  
 با هیچ دستمه و خرابی مخالفت نذاختم و شیر طایب و مروج آزادی مستم با دو سرکرت  
 با اعتدالی با اتقایی با سایر مؤالف و همراهم و مجامع انهار تصدیق و توثیق انعام  
 ای و موکراتیا ای اعتدالیها که میشناسم و در این مجلس حاضرید شمار اتشویق میکنم  
 علنا بدون هیچ ملاحظه حوزم با خود را تشکیل داده در راه و وطن اقدامات بعمل میاید  
 آنچه در راه مشهور و طبیعت و ازادی طلبی از شما با اقدامات شوق و تمسبه و تقدیر میکنم تا  
 بقدریکه بتوانم اعانت و موافقت خواهم نمود با مخطورات بی اندازم که خودتان  
 بهتر از من میدانید بهر اندازه که ممکن است بهترین خدمت برای مملکت و بخیرده ام  
 آنچه کرده ام همه را محسوس و بیجان می بینید حال ما هم با و از بنده فریاد میکنم اگر از شما  
 شخص من بر علیه گرفته اید یا رشوه بمن داده اید علنا در این مجلس پر جمعیت بگویند و در برابر  
 میدانم چه در مملکت شما با شتم کار خدمت بوطن است و اگر بجای دیگر محبت در شده باشد  
 بروم باز خدمت گذار و وطن تمام ایراز برای خود و حکم واحد سید انم و وطن  
 عزیز می شمارم قبلا سیکه گویم من هیچکس را از فرزندانم برادر، دوست، آشنا،

قوم

قوم و خویش را نگاهدارید. برای نمایندگی نواز کم که معرفی کنیم اگر از قول من بگویند با و  
 بخندید که اول از آزادی هر کس مستعد است باید خوش و شاد انتخاب کند اما توصیه  
 بشما میکنم که هر کس از رسیدن حکم وزارت بطلید و اضطراری انتخاب است که بشما اطلاع کنیم  
 بر شاست نمایندگان صدراعظم منبرض انتخاب کنید من اول کس هستم که نماینده  
 شما را تصدیق و تصدیق خواهم کرد. سادات آتیه ظاهر است بنام است باید تصدیق  
 و خوش برانی را که از گذشت حیدری هم نمی شود و می کار است و اعتمالی و سایرین  
 همه ایرانی مدقاری همه شیرازی مدال یک ففانک هستند اساسی  
 یک مملکت با اتفاق است اتفاق نمایند بر ادوری سادات بلجی باید آموختن معتبر  
 شهید العمیاد با آنکه در این انتخاب است سستی و خیلی شود بنیان وطن بر با و است  
 پیشا و دویم که عموم بزرگان و قادیان مملکت بان مکتف هستند سندی  
 جنس است هر کس بعد از آن با بدست مصروف کنند پیشه گویند فرما نظر ما باید برای  
 بان پیدا کند من تا یک اذعان که سستی و ام و مکتف بهم خودم که تکلیف یک ایالت  
 اقدامات میکنم شما هم باید بدست در خود و بان مساعدت کنید بوجوب اطلاعات بصیرتی  
 که از سنده نیست به سلسله کرده ام شش ای بهتر از هر جا برای آرد آن مان مانده  
 نظر در جو و درست است که باید بطور تقاول و مساوات چهار هزار و پانصد هزار و  
 از این میان جوینان یک قیمتی منصفانه و مستحق معین کنید و آرد آن نمایند بدون یک  
 یکی ز با و در آن چه بود و آرد باید یکی کمتر از شش تقسیم شود منم که نمایند و دولت  
 هشتم

هستم بعد از عرض بدو است آرد پانصد هزار نفر دولت تهر است میکنم سید و ارم با نظری که منم  
 اگر عهده با من بران شود به شکل پارسا که کار آن صحیح اصلاح شود و عقیده من اینست که امانت  
 در این مسائل ظهوری نیست که بتوان بر حرف قناعت کرد و عقاید منو ابر از لزوم من همه  
 قسم ساعدت را سلطان با شمشیر خاها و خیر خواها مملکت شما هستم این شرحی که منم  
 نیز برای خود نمایندت برای نیکو کار است از صد و نود تو قیقات مرا در خدمت گذاری  
 وطن و ابل و وطن بخوابید حکم دادند آنچه در این دهه یا زده ماه گفته ام بشما عمل آرد  
 داده ام غیظا قناعت نکرد و ام قسم خودم نمی نبرد و آه است (انتی)  
 پس از این نظری منم عمل منم فرمایند با و خوش شوقی از مردم  
 جناب محقق العلما که از علما و نظایرین و صاحب نظران منم و اطلاع و از لید برای  
 مهم و میکر است هستند بر قناعت منم فطرتی بر لزوم اتحاد و اتفاق ملت که منی  
 بر سعاد است آتیه مملکت است بیان و تشکرات از سنده شما و تراحم حضرت  
 اقدامات و ما نظر ما از همه اینها می باشد مستورا و ضحفا و محوم مردم و از خراب نمودند و  
 مجلس خاتمه یافت -

نقد المسببه محمود

مجلس محلی شیراز

## کشف حقیقت

### آیادعاوی باطله است یا اسناد مشته متقنه

نظر بانکه اگر قارئین محترم بخواهند بدانند که دشمن های داخلی مخرب تر و بدتر از دشمن های خارجی هستند اسناد مندرجه را از صفحه (۱) الی صفحه (۴۹) و از نمره (۱) الی نمره (۳۲) بدقت ملاحظه فرمائید تا حقایق ظاهر و دسایس مکشوف گردد و بدانند که از طرف متشبین بدولت تزار چه خسارات و زحماتی را برای نوع خود فراهم مینمودند

نمره ۱ برداخت مطالبات محلی

نمره ۲ قرار داد راجع بسوخت

نمره ۳ حواله مطالبات و سوخت محلی بخربلاوس

نمره ۴ تعهد نامه راجع بمطالبات و سوخت محلی

نمره ۵ امضای قرار داد اجاره دو ساله

نمره ۶ اجاره نامه پنجساله

نمره ۷ حق شرکت و معامله باغیر

نمره ۸ تعهد مسؤلیت خسارات وارده

نمره ۹ سند بازده هزار تومان

نمره ۱۰ قرار داد بصیر خاقان مباشر امین الدوله

نمره ۱۱ خط حضرت سپهسالار اعظم

نمره ۱۲ عریضه بوزارت خارجه و جوابهای وزارت خارجه ضمیمه ۱ - ۱۲ - الی ۳ - ۱۲

نمره ۱۳ استشهاد راجع بقرار داد سپهسالار اعظم

نمره ۱۴ مراسله رئیس الوزراء در تصدیق حقانیت

نمره ۱۵ مراسله موقع تبعید بقم بوزارت خارجه

نمره ۱۶ خلاصه تلکرافات

نمره ۱۷ حکم تلکرافی و اخطار بدارات و حکم ضبط لشته نشاء و کشف دسیسه متشبین

نمره ۱۸ مراسله باکلویسکی وزیر مختار روس را بخوانید و جواب انرا در نمره (۲۷) وزارت خارجه با ۱۷ فصل

که در ذیل آن توضیح داده شده بدقت ملاحظه فرمائید

نمره ۱۹ التزام بوزارت خارجه

برای دفاع از مقتریات و تهمت‌ها و کشف يك سلسله از حقایق مجبوراً اقدام بطبع و نشر این مشروحه نموده مقصود حمله و توهین به احدی نیست فقط از نقطه نظر حفظ شرافت خود حقیقت امر را بنظر عامه برسانم .

مظالم رژیم غدار دولت سابق روسیه در ایران و رفتار جابرانه مامورین تزار نسبت بایرانیان خصوصاً شفاوت و بی لیاقتی امثال (باخبطانوف) (نکراسف) (باکوفسکی) (میلر) چیزی نیست که فراموش شده باشد

در سال ۱۳۳۰ که قشون خونخوار روس بدون هیچ بهانه برای خفه کردن آزادی - برای کشتن حسیات ملی - برای ممانعت از اصلاحات داخلی - بمباره اخرا برای امحاء ایران و اسارت و رقیق ایرنیان از جلفا و انزلی بطرف مرکز و قلب مملکت سرازیر شده اولتیماتوم مشنوم و معروف را بدولت ایران دادند در تبریز ورشت که بعقبده آنها اشیانه حریت ایران بود مصدر فجایع و مرتکب شایعی شدند که کمترین نتیجه و اثرش حوادث این دو ساه روسیه می باشد

اشتباه نشود - این آزادی طلبان - رولوسینو ترها - نهاییست ها - کرنسکی ها - لنین ها - تروتسکی ها - تندرو ها - کادت ها - منشویک ها - بولشویک ها نیستند که موجد محرک جریانات روسیه شده اند این همان کشته های دربار و متسین دربار رومانوفها است که امروز درو میشود

بلی در رشت و تبریز نسبت به آزادی طلبان و ملیون و اشخاص بیطرف کردند آنچه را که خاطر خواه آنان بود تخریب عمارات - چپاول خانه ها - اعدام - تیر باران - دار - تضييع حقوق - حبس - شکنجه .

مقصود حقیقی ... و منظور واقعی در کیلان من و چند نفر همراهان من بود چون خدایه ملی مرا و چند نفر را که در بنام حمایت خود حراست فرمود و دست آنها به من نرسید خانه ام را ویران انیبه آن را به باد غارت دادند - چندین نفر از عناصر صالح و بیگناه را فقط بجرم وطن خواهی بدار آویخته ملیون کیلان و دوستان عزیز من - در اعماق جنگلها - و خلال کوهها و شکاف دره ها متواری و محفنی شدند و از دیوان ظالمانه تزار حکم تبعید پنجساله آنها صادر شد و غالب آنها باسوء احوال دور از وطن از سختی جان دادند .



در تمام خاک گیلان از سبزه تمش و سفید تمش فقط چند نفر کوتاه نظر باقتضای خبث فطرت با بواسطه جن و جهالت آلت سیئات آنها شدند... مال و جان يك عده از گیلانیان به آتش غرض رانی و شهادت کاذب و مقتربات ننگ آور آنها سوخت. نکر اسف قونسول یا میر غضب تزار بوسیله همین چند نفر برای اینکه مرا جلب به محکمه نظامی نموده موجبات محکومیت و اعدام مرا فراهم دارند دوسیه ها تشکیل دادند... استفتا... استشهاد... مدارک عجیب و غریبی تهیه کردند از آنجمله زمانی که حضرتان آقای آقا سید عبد الوهاب مجتهد و آقای حاج میرزا محمد رضای مجتهد و آقای حاجی میرزا خلیل و جمعی دیگر از اغرض و محترمین را دستگیر و مغولاً بروسیه میفرستادند بزور تهدید اعتراف کتبی از آنها گرفتند که من باقیان امر کرده ام که بقشون و قونسولگری روس حمله کنند آقایان معزی الیهم بعد از استخلاص از محبس های روس و مهاجرت از ایران مستقیماً بشخص من و درجراید مضامین اعتراف نامه اجباری خود را تکذیب نمودند

چون از منطقه مالک رقابی مامورین سبع تزار دور بودم و تشبثات آنها بر علیه جان من ختنی ماند... در صدق تضييع حقوقات و ابطال مطالبات من برآمدند... هر کس را که بامن طرف معامله بود محرك شدند که حق مرا باطل و ازادای دین خود سرباز زند. از برادران ایرانی و قفقازی و اتباع شرافت مند خارجه که بامن معامله داشتند تشکر میکنم که تحریکات عمال روس در وجود آنها کارگر نیفتاده اصحاب جیلی و دیانت خود را مجروح نمودند لازم بتوضیح نیست که بنده و اخوان و منسوبان بنده از سالهای دیرباز در گیلان به تجارت ابریشم و غیره و اجاره شیلات ماهی و اجاره املاک اشتغال داشته و همیشه بنده باصابت قول... و درستی حساب معروف بوده ام.

فقط جنابان مستطابان اجل آقای حاجی میرزا محسن خانی امین الدوله طهرانی و آقای میرزا ابوالقاسم خان نجد الدوله گیلانی در میان اشخاصی که باینده طرف معامله و داد و ستد بودند در ابطال حقوق من و امتناع ازادای دین خود داو طلب شدند آقای نجد الدوله که من خیلی باو خوبی و همراهی نموده و همه وقت از سنه ۱۳۲۰ الی ۱۳۳۰ کاغذ هائیکه بخط خودش بمن نوشته که الان در ضبط بنده است دلیل قطعی است بعلاوه اغلب از طایفه خود او و اهالی رشت همراهی مرا نسبت بمشارایه معانند ملک متصرفی مرا بمیل نکر است غاصبانه ضبط کرده و اسامه او را فقط محض تنبه مشارایه و استحضار اشخاصیکه از خوبی من باو در گیلان مسبوقند بطبع میرسانم لا غیر

آقای امین الدوله که از اواخر ۱۳۲۴ املاک لشته نشاء را بمیل و طیب خاطر بلکه باصرار بینده واقعی حاج میرزا خلیل و بعد بینده و شرکاء دیگر اجاره داده بود و تاریخ اجاره اخیر در محرم ۱۳۳۰ است که حادثه فجع رشت از او افتاده خانه من و بزآن وغارت و وضعیت بنده مشکوک و مبهم بود.

بمیل روسها یا بجهت خوردن مال من و شرکاء در سایه حمایت روسها دست کسان مرا از املاک مستاجر کوتاه و بدیگران اجاره داد و ازادای قرض مسلم خود و حقوقاتی براو وارد است ابا نمود و مبلغ هنگفت من و شرکاء مرا متضرر ساخت از شرح ماجرا صرف نظر میکنم چرا که اسناد صحیح و مراسلات وزارت جلیله امور خارجه و احکام مقامات مقتضیه که درج میشود چگونه امر را حاکی و به قرائن محترم توضیحات کافی میدهد

عجب اینجا است که با وجود اجاره نامه های معتبره و اسناد ثابته بخط و مهر آقای امین الدوله و فخر الدوله برخلاف هر قانون و هر شریعت فقط باتکا، حمایت سفارت تزار املاک متاجر را ازید تصرف من و شرکاء منتزع و بدیگری اجاره و هرچه در محل داشتم بغارت دادند و از مطالبات من سرباز زدند معذرا خده شان در بیرون ها و خانم محترمه شان در اندرونها در مقامات رسمی و غیر رسمی در پیش مهاجر و انصار با يك صورت حق بجانب و قیافه مظلومانه بنده را هدف سهام تهمت و افترا قرار میدادند و در مجامع و محافل مرا ظالم و متعدی خود را مظلوم و بی پناه معرفی میکردند.

باخلوفسکی و اخلاف او [ ] در بطلان حقوق حقه و معوج حثیت و شرافت من مراسلات شرم آور اندوه گینی که نظیرش در هیچ نقطه مغلم دنیا دیده نمیشود بوزارت جلیله خارجه نوشته اند قباح اخلاقی باخلوفسکی بجائی رسید که در مراسله خود بوزارت جلیله امور خارجه صریح نوشت که بدون محاکمه قهراً اسناد و مدارک مرا از من بگیرند .

ولی این تهدیدات - تضییقات - خیارات تبعیدها - مخاطرات در ارکان استقامت فکر - وثبات قدم - وسعت خیال من فتوری راه نداد و تا آنجا که میتوانستم منفرداً از حقوق و حثیت و شرافت خود دفاع کرده و در هر موقع ولودر محبس قم تجاوزات غیر عادلانه و مداخلات جابرانه مامورین خود سر تزار را راجع به آقای امین الدوله و خودم که دونفر تبعه مسلم ایران هستیم برتست نمودم

در اینجا از ذکر این جمله ناگزیرم که با قدرت و سطوت و خشنونت فوق النصور از ایام روس و تهدیدات بوزارت جلیله امور خارجه و باضعف فوق العاده دولت ایران چندین کابینه وزرا که روی کار آمده و با اسناد و مدارک من مراجعه نمودند بقدری قضیه روشن و حق من ثابت و دعاوی امین الدوله واهی و اظهارات سفارت بی اساس و ظالمانه و حقیقت امر مکشوف بود که با همه محظورات حقانیت مرا تصدیق و اظهارات طرف را تکذیب نمودند

چنانچه قرائت مراسلات رسمی وزارت جلیله امور خارجه و احکام صادره صحت دعوی بنده را ثابت مینماید

\*\*\*

نظرباینکه جمعی از دوستان صمیمی من که همواره خاطر من رهین لطف و همدردی ایشان است در ایران و قفقاز و اروپا مکرر تقاضا نمودند که بعضی از اسناد و مدارک خود را درین موضوع که یگانه حربه و وسیله تهمت و مقتریات دشمن های من یعنی مامورین روس و چند نفر خائن متشبث شده بود خدمت آنها بفرستم تا از اصل قضیه و حقیقه امر همه را مسبقاً نمایند به طبع و نشر چند فقره از اسناد که حاکی اجاره نامه مجنون به مهر و امضاء آقای امین الدوله و سرکار خانم فخر الدوله و مراسلات سفارت روس و اجوبه وزارت جلیله خارجه و احکام وزراء عظام و نوشتجات و تلکرافات مربوطه بانکار میپردازم و مقصود از طبع و نشر این اوراق و جها من الوجوه قضاوت افکار و داد خواهی و اثبات حقانیت نیست زیرا با اسناد متقنه و مدارک شرعیه که در دست دارم این گونه تشبثات گنگان لم یکن و املاک لشت نشاء را در اجاره شرعی خود و شرکا، دانسته و دخالت هر کس را خلاف شرع و انصاف میدانم و از یکدینار از حقوقات و مطالبات و خسارات خود و شرکا، صرف نظر نخواهم کرد و در سایه عنایت خدای قادر توانا در مقامات صلاحیت دار با جبران تهمت هائی که بمن بسته و توهیناتی که وارد کرده اند حق ثابت خود را بعلاوه خساراتی که از این رهگذر متوجه شده است استیفا خواهد شد بعون الله تعالی و قدرة

اسناد از ابتدای معامله تمام و کمال در دست میباشد ولی چون طبع تمام آنها يك مجله مفصلی بود مبادرت بطبع اسنادی مینماید که جامع تمام آنها است

املاک اشته نشاء از اواخر ۱۳۲۴ الی ۱۳۳۴ در اجاره بنده و شرکا بود در ۱۳۲۸  
 آقای امین الدوله مصمم شدند مرضی الطرفین پنج سال بقیه مدت اجاره بخودشان  
 واگذار شود قرار دادی در فسخ اجاره و ترتیب حق الفسخ و  
 پرداخت مطالبات محلی منعقد داشتند که ذیلا درج میشود

### نسخه

نمره (۱)

تاریخ شهر صفر المظفریث ثیل ۱۳۲۹ فیما بین جناب آقای امین الدوله و جناب آقای میرزا کریم خان بشرح ذیل قرار  
 چنین شده است جناب آقا میرزا کریمخان آنچه مطالبات از رعایای لشت نشاء در آخر سال تنکوز ثیل ۱۳۲۹ که  
 انقضای مداخله شان است بابت باقی مانده مال الاجاره سابق و لاحق طلبکار بشوند و سند از رعایای حی مقیم لشت  
 نشاء گرفته تحویل آقای امین الدوله بدهند آقای امین الدوله پس از تحویل گرفتن اسناد که هر قدر شد هر ساله  
 بعد از برداشت حاصل برنج که سه ماه باخر سال مانده باشد سالی پنج هزار تومان بدون فرع وجه اسناد مذکور  
 را در وجه جناب آقا میرزا کریم خان کار سازی دارد مقرر اینکه اسنادی که از رعایا باید گرفته شود نقدی و  
 برنجی باشد و برنج را هم بقیمتی که برنج اریایی حاصل تنکوز ثیل ۱۳۲۹ را به تجار فروخته اند با آقای امین الدوله  
 قطع نمایند که طلب آقا میرزا کریم خان فقط وجه نقدی باشد بعد از آنی که میزان کلیه وجه اسناد مطالبات آقا  
 میرزا کریم خان معلوم و مشخص شد آقای امین الدوله باید از بانک استقر اضی - یا طومانیانس - یا خریلوس -  
 یا جناب سردار منصور - یا آقای دریایی هر کدام از این پنج نفر که رضایت طرفین باشد سندی گرفته باقا میرزا کریمخان  
 بپردازد که سالی پنجهزار تومان آن شخص ثالث مدیون و ذمه دار به آقا میرزا کریم خان باشد که آقا میرزا کریم خان سالی  
 پنجهزار تومان را بموعده مقرر در فوق بدون فرع از شخص ثالث دریافت کند و پس از گرفتن این سند محل  
 را تخلیه و خلع مداخله نماید چنانچه در آخر سال تنکوز ثیل ۱۳۲۹ برای ادای مطالبات محلی آقا میرزا کریمخان  
 برای آقای امین الدوله ممکن نشد سند فوق را که باید از یکی از اشخاص پنجگانه فوق مرضی طرفین حاضر  
 کند قرار قطعی داده شد حاصل سه سیچقان ثیل ۱۳۳۰ را که بایستی در مداخله خودش باشد باجاره شخص آقا  
 میرزا کریم خان باشد در عوض مبلغ چهل و پنجهزار تومان وجه نقد بهمان شرایط سال تنکوز ثیل ۱۳۲۹ که آقا  
 میرزا کریم خان خرج وصول مال الاجاره سیچقان ثیل را بانضمام مخارجات لازمه که از هر بابت و بهر اسم و رسم  
 باشد در عهده خود بداند نامیزان مطالبات حقه خود را از چهل و پنجهزار تومان برداشت کند آنچه از چهل و پنج  
 هزار تومان که اضافه از مطالبات میرزا کریم خان است باید در همان سه سیچقان ثیل ۱۳۳۰ بچهار قسط منسوی  
 باقای امین الدوله بلا عذر بپردازد و آقای امین الدوله متعهد است اگر بخلاف این قرار داد عمل کند از عهده  
 خسارت آقا میرزا کریم خان برآید ضمناً توضیح میشود اگر در آخر سال تنکوز ثیل ۱۳۲۹ عمل مطالبات بواسطه  
 سندی که در فوق ذکر و تصریح است قطع شد آقا میرزا کریم خان در موقع تحویل دادن اسناد رعایا این ورقه  
 را نیز حتماً باید باقای امین الدوله رد کند هرگاه در استرداد آن متعذر بشوند باید مبلغ پنجهزار تومان بلا عوض  
 باقای امین الدوله بدهد احتیاطاً هر گاه در آخر سال تنکوز ثیل ۱۳۲۹ که انقضاء مداخله آقا میرزا کریم خان است  
 پاره از اسناد مطالبات مشار الیه بواسطه ضیق وقت در محل باقی بماند که سند از رعیت نگرفته باشد بموجب قرار  
 دادی بدهی رعیت معلوم شد که آن رعیت بده کار است نه آقای امین الدوله قبول کند بترتیب فوق بپردازد به  
 تاریخ ۹ شهر صفر ۱۳۲۹ ایت ثیل

شرایط در فوق صحیح و معنی است امضا عبد الکریم مهر عبد الکریم

شرایط فوق صحیح است امضا محسن ابن علی مهر امین الدوله

چون متن ورقه را حك و اصلاح کرده بودند لهذا در حاشیه جناب آقای امین الدوله بخط خودشان تصحیح کرده اند

خط آقای امین الدوله

توضیح آنکه مدت دو سال است که عبارت از ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ باشد در مبلغ چهل و پنجهزار تومان تا واضح باشد تاریخ متن ۱۳۲۹

امضا محسن ابن علی مهر امین الدوله امضا عبد الکریم مهر عبد الکریم

## قرار داد راجع به سوخت

نمره (۲)

نسختان

تاریخ دهم شهر صفر الخیرهذه السنه ایت ثیل ۱۳۲۹ فیما بین جنابان آقای امین الدوله و آقا میرزا کریمخان در باب سوخت سه آینده تنگوز ثیل ۱۳۲۹ لشت نشاء قرار بشرح ذیل داده شده است . چون از مال الاجاره سنه آینده تنگوز ثیل ۱۳۲۹ بموجب مفاصا مبلغ سی هزار تومان از بابت وجه مال الصالحه قطع اجاره لشت نشاء به آقا میرزا کریمخان داده شده و مبلغ دوازده هزار تومان هم جناب آقا میرزا کریمخان دو طرفاً سند جدا گانه سپرده اند که هشت هزار تومان یکطرفاً سند باسم بانک استقراضی روس مقیم رشت و اقساط معین و یک طرفی سند چهار هزار تومانی هم بجناب آقای امین الدوله سپرده که به پردازند .

ضمناً در سنه آینده تنگوز ثیل ۱۳۲۹ اگر خدای نخواستہ در لشت نشاء سوخت زراعت واقع شد باید مطابق فصل اجاره نامه تخاقوی ثیل ۱۳۲۷ عمل شود لهذا قرار داده اند هر گاه تا میزان هشت هزار تومان سوخت واقع بشود جناب آقا میرزا کریمخان از دوازده هزار تومان اسناد بدهی بیانک و آقای امین الدوله که در فوق ذکر است نباید کسر نماید و وجه اسناد را مطابق خود اسناد بیانک و آقای امین الدوله برسانند و هشت هزار تومان سوخت را در سنه آتیه سیچقان ثیل ۱۳۳۰ بتوسط یک نفر از پنج نفر ذیل که مرضی الطرفین است نصف را از حاصل ابریشم و نصف را از حاصل برنج دریافت کند بانک استقراضی روس - خاریلوس - طومانیانس - جناب سردار منصور - دریاییگی هر گاه اضافه از هشت هزار تومان واقع شد ، ازادرا از دوازده هزار تومان دو طرفاً اسناد باسم بانک و باسم آقای امین الدوله که در فوق ذکر است کسر بگذارد توضیحاً اینکه علی ای نحوکان جناب آقا میرزا کریمخان مالیات دیوانی تنگوز ثیل لشت نشاء را بحواله کرد جناب آقای امین الدوله باید پردازد و با آقای امین الدوله محسوب دارد و اگر سوخت واقع نشد و آقا میرزا کریمخان وجه دوازده هزار تومان سندی بانک و آقای امین الدوله را پرداخته باشند آقای امین الدوله نیز مالیات دیوانی تنگوز ثیل لشت نشاء را باید خود شان پردازند ربطی با قوامیرزا کریم خان نخواهد داشت و این قرار داد نسختان است باید در موقع خاتمه عمل سوخت طرفین مبادله نمایند و هر کدام امضای خود را دریافت کنند فی شهر صفر فوق سنه ۱۳۲۹

امضا محسن ابن علی مهر امین الدوله امضا عبد الکریم مهر عبد الکریم

خط امین الدوله دهم شهر صفر ایت ثیل ۱۳۲۹ است شرائط فوق صحیح است

برای تادیه مطالبات و سوخت محلی که باید ببندد پردازند بر طبق قرار داد فوق مسیو خریلوس را بسمت شخص ثالث بطهران احضار و املاک لشته نشاء را باو اجاره میدهد حواله که از بابت مطالبات و سوخت بمشار الیه میدهد ذیلاً درج میشود

بسمه تعالی - ۲۲ شهر ذالحجّه الحرام ۱۳۲۹

نمره (۳) جناب عمده التجار مسیو خریلوس دام مجده چون مطالبات جناب آقای اقامیرزا کریمخان دام مجده از محل



لشت نشاء موافق قرار نامه نستخان فیما بین باید بتوسط شخص ثالثی بایشان سالی پنجهزار تومان از بابت مطالبات رعیتی بدون فرع درسه ماه آخر سال مانده و آنچه قیمت سوخت برنج است در ظرف دو سال در صورتیکه میزان سوخت ده هزارو پانصد قوطی باشد اگر علاوه شد در دو سال و نیم در موقع حاصل یله بدون فرع پرداخته شود و آن نالت امروز بملاحظه اجاره داری لشت نشاء شما هستید له - لذا زحمت میدهم در موقع خلع بد جناب معزی الیه از محل لشت نشاء که آخر حوت ۱۳۲۹ است باید شما این مطالبات ایشان را بعد از تحویل گرفتن اسناد محلی و سوخت برنج ذمه به ترتیب مقرر فوق در وجه ایشان بپردازید و قبض رسید بگیریید از بابت مال الاجاره لشت نشاء با اینجناب محسوب دارید و اسناد مزبوره فوق را هم باین جانب رد نمائید قبول است فی بیست و دوم شهر ذی الحججه ۱۳۲۹

**امین الدوله**

توضیح آنکه هر قدر قیمت سوخت برنج شد در دو سال به ترتیب مقرر متن کار سازی دارید صحیح است

فی التاريخ متن ۱۳۲۹

(امضا محسن ابن علی مهر امین الدوله)

اینجناب مسیو خریلوس قبول کردم قبل از دخالت بشرايط فوق بجناب مستطاب اجل آقای آقا میرزا کریمخان دام اجلاله العالی کار سازی دارم و اسناد محلی را بانضمام قبض رسید از جناب مستطاب معزی الیه دریافت دارم آنوقت دخالت نمایم فی ۲۸ ذی حججه تنکوز نیل ۱۳۲۹



**تعهد نامه آقای امین الدوله که راجع بمطالبات و سوخت محلی که**

**سند مسیو خریلاوس را به بنده بدهند دیلا درج میشود**

نمره (۴) اینجناب متعهدم در موقع خلع بد جناب آقای میرزا کریمخان دام مجده العالی از محل لشت نشاء که آخر حوت تنکوز نیل ۱۳۲۹ است اسناد و مطالبات محلی و تصدیق سوخت برنج را که رد کردند به ترتیبی که سابقاً بمسیو خریلوس حواله کرده ام بهمان اقساط سند تقدی ذمه از مسیو خریلوس مستاجر لشت نشاء گرفته بایشان بدهم اسنادی هم که نزد هم داریم غیر از دو فقره راجع بمطالبات و سوخت برنج است و حتماً باید رد شود باقی را رضایت طرفین مسترد داریم فی شهر ذیحجه ۱۳۲۹ (امضا محسن ابن علی مهر امین الدوله)



چون آقای امین الدوله اجاره لشت نشاء را با خریلاوس بهم زد و نتوانست شخص ثالثی حاضر نماید در ذیل قرار داد بخط خود عمل لشت نشاء را دو ساله به بنده برگذار نمودند

**بسمه تعالی - نستخان**

نمره (۵) از بابت مطالبات جناب آقای میرزا کریمخان قرار شد که حضرات ذیل رضایت طرفین جناب سردار منصور مسیو خریلاوس - بانک - دریایکی - طومانیا نسی نالت باشند اگر من توانستم هیچک از این اشخاص فوق را با اول محرم ۱۳۳۰ حاضر کنم یا آقای میرزا کریمخان مرا قبول نکرد لشت نشاء دو سال در اجاره آقا میرزا کریم خان بشرايط اجاره نامه سابقه سالی بمبلغ چهل و پنجهزار تومان قبول است یا ستای جنکل که موضوع است مطالبات خود را بر داشت کند و بقیه را با قساط متساوی بمن برساند و این قرار قطعی و لازم العمل است ۱۴ صفر ۱۳۲۹ (امین الدوله)

**خط آقای امین الدوله**

توضیح آنکه چون در اول محرم ۱۳۳۰ نالت حاضر نشدند عمل بشرح متن در ظرف دو سال در دست جناب اجل آقا میرزا کریمخان دام اقباله با جاره باقی خواهد بود غیره محرم ۱۳۳۰ (امضا محسن ابن علی مهر امین الدوله)

**خط آقای امین الدوله**

این ورقه بمنزله اجاره نامه است و نستخان است فی التاريخ فوق ۱۳۲۹ (امضا محسن ابن علی مهر امین الدوله)

بانزده هزار تومان آقای امین الدوله از بنده تقدماً دریافت کردند و خسارت خربلاوس را به بنده حواله نمودند که درظهر رجوع و قبول اجاره نامه خربلاوس ذکر شده است که وجه اجاره توسط بنده به خربلاوس رسیده است درعوض آقای امین الدوله سه سال دیگر بمدت اجاره دو ساله افزودند اجاره نامه پنجساله ذیل درج میشود

نمره (۶) با جاره صحیحه دادند جناب مستطاب اجل اشرف آقای حاج امین الدوله دام اجلاله العالی به جناب جلالته اب عالی آقای میرزا کریم خان دام اقباله تمامی و همگی محل لشت نشاء ملکی شخص خودشان را آنچه در این تاریخ متصرفند از ابتدای حمل سیچقان ثیل ۱۳۳۰ لغایت پنجسال بشرایط و فصول سی و سه گانه که اقساط مال الاجاره را دریافت فرمایند (اول) اسامی قراء بشرح ذیل است و هندو جنس که مستأجر فوق قبول کرده است در عوض مبلغ چهل و پنجهزار تومان باین معنی که نقدی از بابت اجاره اعیان و حمام و بندر و بازار و مسکونات و غیره است و جنس که برنج رسمی و مولائی است بر روی هم بقرار قوطی سیزده قران قیمت قطعی فیما بین است

ازدها بلوچ - اسطلك - جورشر - لیچا - لیموچاه تورود - نوخندان - دلم کرد خیل - توچاه - جوپشت - جورباب - حیر هنده - چلکدان و چالکش - چافوچاه - چیک و کنی خازان - خشکروود - خشک اسطل - خلا - شاه و کلا کسر - زیانده و سکه - سالستان - علی بزایه - نوده - کفشه و پس بیچار و تکریم - بندر علی آباد - بازار لشت نشاء و دکا کین کالی پوش سر بازار - حمام و دکان جنب ایضاً - امیل دان - جونشینان - لیچا چالکش (۲) مستأجر منعمد است چه از بابت اختلاف مساحت یا عنوان اختلافات خورده مالکین جزو رعایای موجر هر قدر کسر و نقصان از حاصل ابواب جمعی آنها باشد بعهده مستأجر کل خواهد بود و دیناری در مبلغ مندرجه در فصل اول کسر نخواهد شد

(۳) از بابت کالش و ذغالی هر چه اجاره و عایدی باشد حق مستأجر است مگر کنده اربابی که مقدار آن پنجاه هزار عدد است باید کالشها بزنند و تحویل گماشته موجر بنمایند هر ساله اگر از اول قوس کنده مزبور تحویل نشود ذمه مستأجر است تحویل نماید حق کنده زدن حمل به خارج و تجارت آنرا ندارد

(۴) خانهای رعیتی که موجود و رعیت ساکن است بعد از مدت اجاره باید مستأجر بدون عیب و نقص تحویل نماید هر گاه خانه کنده آن خراب شود بعهده رعایای جزء است سرخانها تعمیر و عوض کردن لازم داشته باشد بعهده مستأجر کل است (۵) معاملاتیکه جناب آقا میرزا کریم خان در لشت نشاء میکند مدتش باید مطابق باقرار داد خودش باموچر باشد باین معنی که اگر اضافه از مدت سندی چه از بابت اجاره یا معاملات فلاحتی راجع به لشت نشاء دست کسی باشد مسئول آن از هر جهت آقا میرزا کریم خان است ربطی بمالك ندارد و از درجه اغتیار ساقط است و هر قسم آبادی جناب آقا میرزا کریم خان چه از بابت زراعت یا اعیان یا خانه سازی در محل و ادخ در مدت اجاره بکند یا انبار و بنائی بسازد بعد از انقضاء عمل تعلق بمالك خواهد داشت و حق مطالبه قیمت و خرج نخواهد داشت

(۶) هرگاه قسطی از اقساط مال الاجاره بدهی جناب آقا میرزا کریم خان دوماه از موعد معین تاخیر شود عمل فسخ خواهد بود و حق هیچگونه حرف و خسارت نخواهد داشت

(۷) ترتیب پرداخت مبلغ چهل و پنجهزار تومان مال الاجاره باقساط چهار گانه و ترتیب ذیل است قسط اول چهار ماه از عید نوروز گذشته ۱۱۲۵۰ تومان - قسط دوم هشت ماه از عید نوروز گذشته ۱۱۲۵۰ تومان - قسط سوم ده ماه از عید نوروز گذشته ۱۲۵۰ تومان - قسط چهارم در آخر حوت ۱۱۲۵۰ تومان

(۸) جنگل لشت نشاء بکلی از این اجاره خارج مخصوص مالك است همچنین خانهای اربابی سر بازار و بندر علی آباد و مالك خود دارد هر قدر از خرابه هارا آباد کند و بهره ببرد و کسی حق معارضه ندارد و منافع آن حق مالك

است و جناب میرزا کریمخان هر قدر از خرابه زراعت یا اعیان کرد منافع آن تا انقضای اجاره حق خودش میباشد ولی بعد از انقضای بافسخ اجاره حق مطالبه قیمت خانه سازی و حق الغرس توت و غیره غیره از هیچ بابت نخواهد داشت و آبادی که کرده است باز معارض حق طلق مالک خواهد بود اسطرخهای لشت نشاء که آب انبار قراء است طرفین حق آبادی و برچیدن آنها نداریم که صدمه بانها نخورد باسنشای اسطرخ معروف جو پشت که خارج از این معامله و مخصوص مالک است ربطی بامستاجر ندارد و هر نقطه از خرابها که مالک مبادرت و آبادی کند اعم از زراعت یا اعیان یا خانه سازی و غیره جناب میرزا کریمخان حق ندارد و متهم رض شود منافع آن مخصوص مالک است

( ۹ ) هر ساله مقدار یکهزار و پانصد قوطی عین برنج پاک از حاصل لشت نشاء بمالک بدهد و قیمت برنج را از رسمی و مولائی بر رویهم از قرار قوطی سیزده قران با مالک محسوب و از اجاره کسر کند برنج رسمی یکهزار قوطی برنج مولائی پانصد قوطی است

( ۱۰ ) قیمت برنج در صورت سوخت که فقط از نرسیدن آب سوخته باشد یا تصدیق مصدقین طرفین که کتبا در هر سال تعیین میشوند یا مستاجر از قرار قوطی سیزده قران محسوب خواهد شد از رسمی و مولائی و عین سوخت را مستاجر با رعیت جزو محسوب دارد و تصدیق مصدقین باید کتبی و ممهور باشد (۱۱) مطالبات محلی جناب میرزا کریمخان در آخر مدت در محل لشت نشاء نباید از پانزده هزار تومان زیاد تر باشد یعنی وصولی از رعایای حی مقیم لشت نشاء سند تحویل بدهد و این مبلغ را نقداً بجناب میرزا کریمخان بدهد

(۱۲) مطالبات سابقه را مالک بدستباری آدمهای خود وصول خواهد کرد ربطی بامستاجر ندارد

(۱۳) مالیات دیوانی در هر صورت چه سوخت برنج باشد یا نباشد ذمه جناب میرزا کریمخان است بحواله مالک بدهد از بابت اجاره بمالک محسوب بنماید مالیات خورده مالک ربطی بجناب میرزا کریمخان ندارد و راجع بمالک است ( ۱۴ ) آخر سال چهارم مالک حق فسخ اینقرار داد را دارد در صورتیکه شش هزار تومان نقد بجناب میرزا کریمخان بدهد و مطالبات محلی او را هم بدهد و اگر طلب دستی هم داشته باشد بدهد توضیح آنکه پنجاه و پنج روز قبل از حمل سال پنجم اگر مالک کتبا یا تلکرافاً فسخ عمل را بجناب میرزا کریمخان اخطار نکرد سال پنجم بهمین شرایط محل در اجاره مشارالیه خواهد بود و مالک هر وقت بخواهد موقتاً یا ممتداً در لشت نشاء مقیم باشد مجاز است ولی حق مداخله بعمل اجاره جناب میرزا کریمخان ندارد

(۱۵) در صورت فقدان جناب میرزا کریمخان ورثه باید اعتبار صحیح بدهند والا محل فسخ است بدون خسارت فقط همان مطالبات محلی است و طلب دستی بشرح سابق الذکر

(۱۶) خرج وصول ایصال مال الاجاره از هر قبیل از خرج حکومت محلی لشت نشاء و فلاحتی و میرایی و نوکرهای محلی و مایه رعیتی بهر اسم و رسم و مأمورین حکومتی رشت برای محصل و غیره بعهده مستاجر است ابداً ربطی بموثر ندارد

(۱۷) اقساط مال الاجاره باید بقسط متساوی در طهران یا لشت نشاء بحواله مالک تحویل شود

(۱۸) خرج شکسته رودخانه در صورت لزوم بامستاجر است که با اطلاع مالک و کماشته مالک بمصرف برسد

و از مال الاجاره برداشت کند

(۱۹) حق انتقال کلیه این معامله را بدیگری ابداً نداد و خود او حق مداخله در محل دارد لاغیر و طرف مالک

از هر جهت اوست لاغیر

- (۲۰) آدمهای شخصی مالک در محل از قبیل دفتر دار و تحویل دار و غیره خرجش با مالک است و حق دخالت بعمل اجاره جناب میرزا کریمخان ندارند
- (۲۱) حاکم و نوکر های محل باید منظمان باشند
- (۲۲) جناب میرزا کریمخان حق ندارد برنج را بیشتر از چهار قوطی بیست من بسنگ از رعایا دریافت کند
- (۲۳) جناب میرزا کریمخان حق ندارد ببله تخم نوغان را زیاد تر از بایی یکمن از رعایا اخذ کند
- (۲۴) فقط و آجر بزی و سفال و شیل مخصوص مالک است
- (۲۵) خرج مساحت بعهده جناب میرزا کریمخان است هر زمان هم که مالک بخواهد جزء یا کل محل را مساحت کند مجاز است از وقت خرجش بعهده مالک است
- (۲۶) تخم نوغان باین ترتیب است نلث از خود آقا میرزا کریمخان دو نلث دیگر از کار خانه های دیگر باید مرغوب و اعلا باشد بوزن بیست و پنج گرام
- (۲۷) چوب گردو و آزاد از این عمل خارج و مخصوص مالک است
- (۲۸) مخارج از هر قبیل بدون اجازه کتبی یا تلگرافی مالک پذیرفته نیست
- (۲۹) ماهی یکصد تومان مخارج مقبره را بطور ماهیانه بحواله کرد مالک باید بدهد از اقساط کسر میکند و بدون تنزیل است
- (۳۰) ماهی یکهزار و دوست تومان بمالک در طهران یا لشت نشاء باید جناب میرزا کریمخان بدهد از اقساط کسر کند و بدون تنزیل است
- (۳۱) میزان پنجهزار تومان اگر مالک در هر سال اضافه از مال الاجاره ضرور داشته باشد جناب میرزا کریمخان باید بدهد از قرار تومانی سه شاهی و از مال الاجاره بر داشت کند
- (۳۲) مخارج ماشین جی و سوخت کار خانه بعهده جناب میرزا کریمخان است
- (۳۳) جناب میرزا کریمخان اجاره نامه هائیکه از هر کس میگیرند راجع به لشت نشاء باید باسم مالک و در ضبط خود جناب میرزا کریمخان باشد بعد از امضای قرار داد جناب میرزا کریمخان باید نقداً مبلغ هفت هزار تومان بمالک بدهد و از اقساط کسر کند فرع آن بقرار دو شاهی و نیم است و جناب میرزا کریمخان مکلف است اجاره نامه های محلی را پس از فسخ عمل بمالک مسترد دارد تحریر فی دوازدهم شهر محرم سنه ۱۳۳۰ این قرار داد صحیح است

محل مهر امین الدوله محسن ابن علی

محل مهر فخر الدوله

توضیح آنکه هر گاه طرفین ذره بر خلاف کلمات مندرجه درسی و سه فصل متن این قرار داد رفتار کنند یعنی قبل از انقضای یا فسخ عمل بر خلاف شرایط مذکوره فصول بخواهند عمل را بر هم بزنند سی هزار تومان بیکدیگر دادنی باشند

محل مهر امین الدوله



قرار دادی که حق شرکت و معامله با ذبکران را به بنده میدهد

نمره (۷) نسخه فقراتی که بعد از امضاء نسخین اجاره نامه لشت نشاء جناب جلالتماب آقای آقا میرزا کریمان دام اقباله اظهار و برضایت طرفین تصفیه شد از اینقرار نسخه است

(۱) اولاً در خصوص آدمهایی که از طرف ماجر معظم مطابق فصول اجاره نامه باید در محل لشته نشاء باشند قرار شد در صورتیکه جناب میرزا کریمخان از یک یادونفر آنها شکایتی داشته باشد و تغییر آنها را بخواهد بر رعایت میل



او تغییر بدهند و اگر از یک پادشاه تجاوز کرد و باز درخواست تبدیل نمود جناب میرزا کریمخان متعهد است مطالبات محلی خود را که تاریخ آن قبل از این معامله است تقدماً بجناب مستطاب آقای حاج امین الدوله بدهند تا بعد فرستاده ها احضار شوند بمبلغ مزبور در روز پرداخت تومانی یکصد دینار در سال فرع بسته خواهد شد و هرچه از مطالبات مطابق دفتر ثبت وصول شود بهمان میزان از اصل و فرع کسر خواهد شد در آخر مدت اجاره باقی مانده اسناد مطالبات را رد کرده بعلاوه پانزده هزار تومان مذکور در اجاره نامه تقدماً دریافت خواهد داشت

( ۲ ) ثانیاً مطالبات رعیتی را که جناب میرزا کریمخان در فصل اجاره نامه قرار داده است در انقضاء یا فسخ عمل علاوه از پانزده هزار تومان نباشد نیز مکلف است که در وقت تحویل دادن اسناد نقدی از رعایای حی و مقیم لشته نشاء تحویل بدهند باید اسنادی باشد که در همان سال انقضای عمل تجدید کرده باشد نه اسناد کهنه سنواتی ( ۳ ) ثالثاً در مدت اجاره اگر در محل لشته نشاء رولوسیون بشود و در وصول مال الاجاره نقصی بهم برسد جناب میرزا کریمخان مجاز و مختار است بهر ترتیب و قوائی که میداند تشبث نموده رفع اغتشاش نماید مخارج موجبات رفع اغتشاش بعهده خودشان است و اما اگر خدای نخواست اغتشاش عمومی در کل کیلانات اتفاق افتاد و رعایا مال الاجاره را حیث و میل کردند هر طور مالکین کل بامستاجرین کل رفتار کنند جناب آقای حاج امین الدوله هم باجناب میرزا کریمخان رفتار خواهد کرد

( ۴ ) رابعاً مسئله شرکت باغیر که در فصل نسختان اجاره نامه لشت نشاء مقرر است که جناب میرزا کریمخان حق ندارد بادیگری شرکت نماید ثانیاً برضایت طرفین قرار شد مشارالیه مجاز است باهرکس میل شرکت دارد بهر شکل ترتیب بدهد در کل امور لشت نشاء با خود جناب میرزا کریمخان است لاغیر و طرف مالک هم خود مشارالیه است باین معنی که تمام مفاد فصل اجاره نامه غیر از شرکت باغیر دائم و برقرار است ( ۵ ) خامساً در سنوات آیات ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳ اگر در محل لشت نشاء در سال مایه گذاری ضرور شود تا مبلغ پنجهزار تومان بدمه جناب میرزا کریمخان است که مایه گذاری کرده و از رعایا وصول کند و حق تنزیل این مبلغ پنجهزار تومان را از ماجر معظم ندارد و اگر علاوه از پنجهزار تومان لازم شد بعهده مالک است که بدستگیری کماشته خودشان مایه گذاری و از رعایا وصول کند و اگر در انقضاء یا فسخ عمل چیزی باقی نزد رعایا ماند علاوه مطالبات محلی خود که در اجاره نامه ذکر است دریافت کند باین معنی که مطالبات جناب میرزا کریمخان آنچه بمایه رعیتی است باید در انقضای عمل سند نقدی از رعایای حی و مقیم لشت نشاء بگیرد تحویل مالک بدهد و بهر مبلغ بالغ شد اگر برای ماجر معظم ممکن نشد نقد بدهد یکساله با فرع تومانی دوشاهی نیم در سال در ذمه جناب میرزا کریمخان خواهد پرداخت و این شرط فقط راجع بمایه گذاری است ربطی بمطالبات محلی مذکور در اجاره نامه ندارد توضیح اینکه مایه گذاری سه سیچقان ثیل ۱۳۳۰ بدمه جناب میرزا کریمخان است فی ۱۵ شهر محرم ۱۳۳۰ محل مهر امین الدوله محل مهر میرزا کریمخان

توضیح در حاشیه

توضیح اینکه در خصوص اغتشاش داخلی لشت نشاء که مقرر است مخارج بترتیب موجبات آسایش بعهده جناب میرزا کریمخان است نیز تصریح میشود که این قبیل اغتشاش ابداً لطمه باصل مال الاجاره نمیرساند و تأخیر اقساط هم باعث فسخ اجاره نامه نخواهد شد تا بعد برضایت طرفین قراری بدهیم شهر متن ۱۳۳۰

محل مهر امین الدوله محسن ابن علی محل مهر عبد الکریم

آقای امین الدوله بموجب سند ذیل جواب بانک یا هر کس را که در عمل لشته نشاء

دخالت نمایند تعهد مینماید

### بسمه عالی

**نمره (۸)** این جانب متقدم که اگر خدای نخواسته از طرف بانک یا کس دیگری به محل لشت نشاء از بابت حساب من و غیره کسی تعرض کند جواب ذه خودم باشم و ربطی بجناب میرزا کریمخان ندارد و اگر خسارت مسلمی از این بابت بایشان برسد از عهده بر ایم ولی اگر بانک یا دیگری از بابت مال الاجاره من که بدهی ایشان است براتی از من بکیرد و ایشان تملک و طفره کنند و بانک یا دیگری بان محل تعرض کند در این صورت ربطی ایدا باین جانب نخواهد داشت باخود آقا میرزا کریمخان است

تاریخ ۱۴ شهر محرم ۱۳۳۰ محسن ابن علی مهر امین الدوله



سند پانزده هزار تومان

### بسمه تعالی

**نمره (۹)** تاریخ ۱۴ شهر محرم ۱۳۳۰ سیچقان نیل مبلغ پانزده هزار تومان بدون فرع برسم مساعده از بابت مال الاجاره لشت نشاء بدهی جناب اجل آقا میرزا کریمخان دریافت کردم که مبلغ مزبور در مدت پنجسال اجاره هر سالی سه هزار تومان از قسط چهارم کسرشود و این مبلغ پانزده هزار تومان بدون فرع است ضمنا با رضایت طرفین قرار شد که هر گاه جناب آقا میرزا کریمخان افساط مال الاجاره را بشرح مندرج در اجاره نامه نرساندو عمل بواسطه نرسیدن مال اجاره فسخ شد حق مطالبه این مبلغ را جناب میرزا کریمخان از این جانب بهیچوجه نخواهد داشت و معجانی است توضیح اینکه در سال چهارم چنانچه در فصل اجاره نامه ذکر است و تصریح شده که آخر سال هر گاه شش هزار تومان بدهم عمل فسخ است در این صورت سه هزار تومان از پانزده هزار تومان را جناب آقا میرزا کریمخان حق مطالبه از من نخواهد داشت و این سند وارد خواهند کرد

تاریخ ۱۴ شهر محرم ۱۳۳۰ امضا محسن ابن علی



قرار داد شاهزاده بصیر خاقان مباشر آقای امین الدوله

### نسختان

**نمره (۱۰)** تاریخ ۱۵ شهر محرم الحرام سیچقان نیل ۱۳۳۰ باحضرت مستطاب بندکان آقای آقا میرزا کریم خان دام اجلاله العالی قرار گذاشته ام که از اول حمل ۱۳۳۰ تا مدتی که لشته نشاء در اجاره معظم الیه است بنده را ببرند به لشته نشاء در سرکارهای خودشان نگاه دارند و مشغول بکار آنجا باشم در اینصورت قرار گذاشته ام که هر ماهه مبلغ پنجاه تومان از حضرت معظم الیه دریافت دارم خرج خوراک هم بدهم معظم الیه است این بنده هم متعهد شده ام از کارهای مجوار بخود کوتاهی ننمایم و اگر چنانچه بندکان آقای آقا میرزا کریمخان امورات آنجا را مختل دیدند و بودن بنده را در لشته نشاء مقتضی ندانسته متعهد شده اند که بنده را بطهران بفرستند و تا مدتی لشته نشاء در اجاره حضرت معظم الیه باقی است نصف مواجب را که مبلغ بیست پنج تومان است همراه در طهران

به بنده کار سازی فرمایند و این مبلغ بواسطه حق خدمتی است که در طهران اگر کاری باحضرت اشرف آقای حاج امین الدوله داشته باشند انجام نمائیم تحریرا فی شهر فوق سنه ۱۳۳۰  
امضا بصیر خاقان  
(مهر مهدیقلی)



بعد از سه ماه که از تاریخ اجاره نامه میگذرد و بنده در محل مبالغی خرج کرده مایه گذاشته و با اتباع داخله و خارجه شرکت و معامله نموده بودم که بعضی از آنها بمضای آقای امین الدوله است بخيال فسخ اجاره می افتند و حضرت اشرف سپسالار اعظم بدون اطلاع بنده صورتی راجع بمطالبات و حقوق بنده مرقوم داشته و بتوسط جنابان آقایان ناصر الاسلام و آقای امین الملک و نواب الملک برای بنده فرستادند و بنده قبول نکرده و از این بابت اظهار تعجب نمودم صورت مزبور ذیلا درج میشود

نمره (۱۱) حرف آخر شصت و پنج هزار تومان - نقد - شانزده هزار تومان  
قسط دو سال نه هزار و پانصد تومان - نوزده هزار تومان - پنج ساله از بابت مطالبات بعد از تحقیق  
ورسیده گی سی هزار تومان - سالی پنج هزار تومان



اقای امین الدوله حاجی محمد خان تاجر باشی روس و اقا محمد جواد کنجه را از رشت احضار میکند که املاک لشته نشاء را بانها اجاره بدهد و بنده درین باب بوزرات جلیله امور خارجه اطلاع میدهم که املاک مزبور فعلا و بعداً در اجاره و تصرف من و شرکاء بوده است

خلاصه عریضه اینجناب مقام منبع وزارت جلیله خارجه

نمره (۱۲) اقای امین الدوله با امضای خانم فخر الدوله لشت نشاء را قبلا و بعداً به بنده اجاره دادند بنده هم با اجازه و اختیاراتی که داشتم با رعایای داخله و خارجه شرکت نمودم و الان درید تصرف بنده و شرکاء هست از قراریکه مسموع شد اقای امین الدوله دونفر رعیت روس را خواسته بناحق میخواهد بانها اجاره بدهد لزوماً مخاطر مبارک را مستحضر میدارد که باقای امین الدوله و رعایای روس اطلاع فرمائید که محل پنجساله در اجاره بنده و شرکاء و درید تصرف است و دخالت آنها غیر مشروع و از این معامله آنها را ممنوع دارید  
عبد الکریم

جواب وزارت خارجه به بنده که ذیلا درج میشود دو مینویسد که از سفارت روس کتبا در اینباب نوشته شده است -  
بہیچوجہ من الوجوه نہ در آرشیو سفارت روس همچہ مراسلہ بودہ و نہ در آرشیو وزارت خارجه همچو نوشته بود و هست و معلوم شدہ است کہ بتحریر کی یک همچو مطلب بی اصل و اساسی را محض اینکه بنده را تهدید نمایند با مضای وزیر خارجه رسانده اند در احکام تلگرافی رئیس الوزراء و وزراء همانوقت و در مراسلہ وزارت خارجه کہ در جواب مراسلہ سفارت روس نوشته کہ بعدہا درج میشود صدق اینمطلب بنده و بی حقیقتی مندرجہ در مرقومہ اشکار خواهد شد

سواد مشروحہ وزارت خارجه باقامیرزا کریمخان مورخہ ۲۲ ع ۱ ۱۳۳۰ نمرہ ۹۴۳-۲۲۷۹

ضمیمہ (۱۲-۱۱) مرقومہ مورخہ ۲۲ شهر حال جنابعلی دابر باجاره لشت نشاء از آقای امین الدوله واجل و موجب حیرت و نهایت تعجب گردید زیرا کہ در موضوع معامله اجاره لشت نشاء باخریلایوس در اظهارات جنرال

قونسولگری روس در طی نمره ۸۸۵ باقای امین الدوله نوشته شد که بعدها هر گونه معامله راجع بعلاقات خود شان بنمایند باید بتصویب وزارت خارجه باشد و در ثانی هم که از سفارت روس کتباً و شفاهاً اظهار داشتند که آقای امین الدوله خیال دارند لشت نشاء را بجنابعالی اجاره دهند و فوخرج این معامله اولیای دولین را دچار اشکالات خواهد نمود مجدداً در طی نمره ۱۷۰۱ باقای امین الدوله صراحتاً نوشته شد که از این معامله احتراز نموده اولیای دولت را دچار اشکالات نسازند حالا که جنابعالی مرقوم میدارید آقای امین الدوله لشت نشاء را بجناب عالی اجاره داده اند لزوماً زحمت میدهم با اینکه عزیمت جنابعالی وبستگاتان به کیلان نظر به مقتضیات وقت و مصالحی که میدانید غیر ممکن است و اداره کردن و سرپرستی املاک ایشان از جنابعالی ساخته نخواهد شد در این صورت معامله که باعث ضرر طرفین و اشکال بزرگ برای دولت میشود از چه راه است جنابعالی واقای امین الدوله هیچکدام راضی بزحمت و اشکال دولت نباید بشوید و وزارت خارجه هم بر حسب تکلیف خود جنابعالی را از این معامله منع میکند و در صورت اصرار طرفین و عقد این معامله دولت مجبور است اقداماتی که بموجب جلوگیری از اشکالات محتمله باشد نماید و اجرای این معامله را توقیف کند در این صورت هر گونه معامله که بهر کس نموده باشید وزارت خارجه کان لم یکن دانسته قابل اجرا نخواهد دانست

وزارت خارجه

### جواب مراسله وزارت خارجه

**ضمیمه (۱۲-۲)** مرقومه آن وزارت خارجه عز وصول بخشید معلوم گردید وزارت جلیله عریضه نمره ۱ را دقت فرموده اند که عرض کرده بودم محل لشته نشاء قبلاً و بعداً در اجاره و بد تصرف بنده و شرکاء باقی بوده و هست و هر گونه معاملات و شرکت بموجب اجاره و اختیاریکه در باب هر نوع شرکت و واگذشتن بدیگری بوده است بر عیای داخلی و خارجه چنانچه معمول و تجارت آزاد بود عیناً شرکت و واگذار نمودم و معاملات کرده و از این ترتیبات وزارت خارجه هیچ مسبوق نبودم و نیستم که بچه مناسبت سفارت بهیه روس و قونسولگری امپراطوری نوشته بودند و وزارت خارجه بجناب آقای امین الدوله مرقوم و اطلاع فرمودند اشعار فرمودند معاملات بنده را کان لم یکن میدانند خاطر محترم وزارت خارجه را مسبوق میدارم که عین معاملات خود جناب امین الدوله بر عیای خارجه بموجب اجازه و اختیار عیناً کوییه اسناد در نزد شرکاء و تجار است چنانچه همیشه معاملات گیلانات و هر جا معمول بوده است و عین این معاملات را بانک و تجار خارجه و غیره بهمین ترتیبات مینمایند جواب ده رعایتی خارجه جناب امین الدوله و وزارت خارجه است خود میدانند با حقوق آنها اما آنچه راجع بمنافع بنده است چنانچه وزارت خارجه میفرمایند به مقتضیات وقت مجبور از توقیف اجرای آن خواهند بود بنده چه حرفی خواهم داشت یا در این موقع میتوانم بزنم مثل اینکه تمام خانه و زنده گی بنده در رشت بدون جهت به یزما رفت و بعضی در توقیف است آنها باشد بنده در استرداد حقوق مشروع خواهم کوشید هر موقع این مقتضیات از میان رفت بپرمحکمه که حکم و احقاق حقم بکند عارض پس از ثبوت املاک و علاقات خود را تصرف میکنم و امیدواری کامل دارم تمام خسارات وارده بنده را از هر کس و هر که باعث شده و میشود دریافت گردد ضمناً معروض میدارم اسناد و نوشتجات در دست بنده و رعایای خارجه است مضمون از هر گونه تعرضات است اینکه فرمودید بنده و کسان بنده نباید در رشت برویم یک همچو اختطاری از طرف هیئت وزراء عظام شده است ولی جهت تقصیرا ندانستم و بنام مشروطه و قانون اساسی توضیح خواستم که طرف کی است و تفصیرم چیست تاکنون توضیح داده نشده است در باب اداره کردن لشته نشاء خاطر محترم وزارت خارجه را مسبوق میدارم که همیشه بنده آنجا را اداره نمیکردم درید تصرف شرکاء و بنده بوده است و همیشه این شکل اداره شده است چنانچه غالب بنده در کیلان نبودم و حالا هم بهمان ترتیب درید تصرف هست و اداره میشود بتاريخ ۲۴ ع ۱۳۳۰ عبدالکریم



**سواد مشروحه وزارت خارجه مورخه ۲۴ ربيع الاول ۱۳۳۰ نمره ۲۳۲۴ - ۹۷۹**  
**ضمیمه (۱۳-۱۴)** مرقومه مورخه امروز جنابعالی واصل گردید مرقوم داشته اید (لشت نشاء قبلا و بعداً در اجاره و بد تصرف جنابعالی بوده) توضیحاً اشعار میدارد که در اوایل شهر محرم گذشته آقای امین الدوله که املاک لشت نشاء را بخاریلاوس اجاره داده بودند و از طرف وزارت خارجه مخصوصاً اشکال این معامله را اخطار و اسنادیکه برای تصدیق بوزارت خارجه فرستاده بودند رد شد معامله مزبوره را فسخ و اقاله نمودند و پس از آن هم چون مسموع شد در صددند بجنابعالی املاک مزبوره را اجاره دهند مجدداً عدم امکان و اشکال وقوع این معامله هم باقای امین الدوله اخطار و مخصوصاً از این اقدام ممنوع شدند و پس از این اخطار اگر معامله با جنابعالی در باب املاک لشت نشاء واقع شده باشد اولیای دولت برای احتراز از اشکالات محتمله مجبورند که اقدامات مؤثره در جلو گیری و توقیف این معامله بنمایند و اگر واقعا در این باب از طرف آقای امین الدوله و جنابعالی اصراری بشود اولیای دولت مجبور بتوقیف و ضبط املاک لشت نشاء و اداره کردن مستقیم املاک از طرف دولت خواهند شد آنوقت اگر جنابعالی مطالبه یا ادعائی نسبت باقای امین الدوله داشته باشید باید در محاکمه دولتی مذاکره و طرح دعوا نمائید این مسئله را هم البته خود جنابعالی که صاحب ذوق و وجدان سلیم هستید باید حس فرمائید که اگر مصالح مهمه دولتی مقتضی نباشد وزارت خارجه ابتقدر تاکید و اصرار در این امر ننمایند و این اقدام بر حسب اقتضای مصلحت مملکت است که البته رعایت منافع اشخاص مقدم است  
**وزارت خارجه**

مراسله فوق را که وزارت خارجه در خصوص خاریلاوس مینویسد از قبیل همان نوشتجات است زیرا خود وزارت خارجه قبلا باقای امین الدوله نوشته است شما چرا از طرفی مینویسید وزارت خارجه کثرات خاریلاوس را مهر و امضا نماید و حالا تلفون مینمائید که ملاحظه شود از این تلون و حرکت شما بوزارت خارجه حق میدهد که اعمال شما را تکذیب کند اصل مراسله نزد آقای امین الدوله و مینوت آن در وزارت خارجه و سوادش نزد خاریلاوس است

**جواب مراسله وزارت خارجه**

**ضمیمه (۱۳-۱۴)** مرقومه نمره ۲۳۲۴ آنوزارت جليلة زیارت در باب معاملات مسیوخاریلاوس و اشکالات او اشعار فرموده اند بنده از جزئیات مسبوق نبودم و نیستم ولی تفصیل آن زیاد و مطالبی در ضمن است که وزارت خارجه با هر کس دیگر طرف باشد پس از تحقیق و رسیدگی تصدیق بنده را خواهند کرد اما اینکه اشکالات و مصالح مهمه دولتی را دلیل قرار داده بودند خیلی جای تعجب است معلوم میشود وزارت خارجه ابتداً دقتی بعرایض نمره ۱ نمره ۲ بنده نفرموده اند این اظهارات وزارت خارجه را بنده قبلا پیش بینی نموده و عرایض بنده بر این بوده است که بواسطه شرکت بنده با اتباع خارجه آنوزارت خانه مطمئن باشد تا دوچار اشکالات و زحمت نشود خیلی قریب است چیزی را که خود بنده پیش بینی و باولیای دولت را نمائیم مینه ایم دولت متبوعه بنده را محل تعرض قرار میدهند طرف بنده کیست اگر جناب امین الدوله طرفند شکایت نامه بوزارت خارجه مر بوطه دولت بدهند تا بنده اسناد خود و شرکاء و معاملات را ارائه داده و معلوم شود که حق با کی است تا چیزها آنکه بر او وارد میشود عهده نماید مقصود بنده از این پیشنهاد این بود که همه شکی اسباب سهولت گذشت این کار را فراهم نموده باشم نه اینکه معارضه بوده است از قراریکه شنیده ام کسی طرف بنده نیست فقط حضرت رئیس الوزراء بدون هیچ نوع رسیده کی و تحقیق طرف و کم لطف هستند در این صورت مدعی باشد پیغمبر صاحب دیوان خدا است البته ایشان صدر اعظم مملکت مشروطه ایران و امروزه میتوانند تمام حقوق امثال بنده را بدون چون و چرا یا بمال نمایند ولی اسناد و نوشتجات چنانچه مکرر عرص بنده در دست تجار تبعه خارجه است که اسباب زحمت اولیاء امور و بنده و جناب امین الدوله را فراهم خواهند نمود ناچاراً آن معاملات را که باینده مینوانند بکنند یا دیگران غیر ممکن است اگر واقعاً بخواهید رفع

درد سر بشود رسیده کی به معظورات بنده نموده تا بهم دستی انشاء الله رفع این قائله بشود بتاريخ ۲۷ ع ۱  
تنکوز نیل ۱۳۳۰ عبد الکریم



حضرت آقای سپهسالار اعظم میل امین الدوله مجلسی منعقد میدارند که اینکار خاتمه داده  
شود و قراری دادند چون غیر منصفانه و باعث تضرر فوق العاده بنده بود  
قبول نکردم - قرار داد مزبور بخط منشی حضرت اشرف سپهسالار  
اعظم است که آقای امین الدوله بخط خود اصلاحاتی کرده اند  
فعلا موجود و در ضبط بنده است و استشهادی  
درین باب کرده ام ذیلا درج میشود

**نمرة (۱۳)** حضور محترم آقا بان معظم محترم زید اجلها عرض و سؤال میشود در باب عمل اجاره لشت نشاء  
و معاملات و غیره راجع به بنده و شرکاء از بابت حق الفسخ و سوخت ۱۳۲۹ و مطالبات محلی و کترات مسیو  
خاریلاوس و غیره و بجه ترتیب حضرت آقای امین الدوله و نوابه علیه خانم فخر الدوله حاضر شده بودند و  
حضرت اشرف سپهسالار اعظم را واسطه کرده بودند ختم عمل نمایند و حضرت سپهسالار اعظم با رضایت حضرت  
آقای امین الدوله و خانم فخر الدوله چه قرار و ترتیب در کایه عمل اجاره لشت نشاء دادند که بنده بواسطه عدم  
رضایت شرکاء اتباع خارجه قبول نکردم و امتناع نمودم تا بعد شدم آنچه در این خصوص علم و اطلاع دارید در  
صدر مسئله مرقوم و محتوم فرمائید عند الحاجة حجت باشد عبد الکریم



این بنده بر حسب تکلیف و خواهش حضرت اشرف آقای سپهسالار اعظم برای خاتمه دادن این عمل از  
جناب عالی و کالت نامچه گرفته وارد مذاکره کشته حضرت اشرف آقای سپهسالار اعظم با رضایت جناب امین الدوله و  
خانم فخر الدوله در ختم عمل لشته نشاء قرار گذاشتند مطالبات محلی که سی هزار تومان تخمین شده بود سالی  
بیجهزار تومان بی تنزیل بتوسط طومانیانس بدهد کسر با اضافه بعد از محل تحقیق شود و سوخت برنج سنه ۱۳۲۹  
هر قدر معین شد بدو قسط متساوی در دو سال طومانیانس عهده نماید و هشت هزار تومان خسارت  
مسیو خریلاوس را نقداً کار سازی دارد کترات تخم نوغان که ممضی بامضای امین الدوله است  
آقای امین الدوله همان کترات را قبول نموده در لشته نشاء عمل نمایند محاسبه قبض از طرفین هر چه هست نقداً  
داده شود و آنچه مایه رعیتی در سنه ۱۳۳۰ در بین این گفتگو داده شده است آقای امین الدوله نقداً بدهند و  
شانزده هزار تومان از بابت منافع و حق الفسخ قرار داد سنه ۱۳۳۰ نقداً ادا نماید و جناب عالی جواب شرکاء و  
معاملات دیگر لشته نشاء را از هر قبیل چه با خارجه و چه با داخله باشد عهده نمائید که مسئولیتی در این شرکتهای  
و معاملات باقی امین الدوله متوجه نشود این قرار داد بخط آقا میرزا علی اکبر خان نوشته شد يك نسخه از  
از همین قرار داد خلاصه اش بخط حضرت سپهسالار اعظم در نزد آقای امین الدوله است این بنده خواستم قرار  
داد فوق را بجناب عالی قبولانیده تا این گفتگو بهمین نحو خاتمه حاصل بنماید و در باب معامله بیست هزار قوطی  
برنج فرمودند که برای خاتمه اینکار حاضریم بقیمت سیزده قران از تنکابن یا از همان محل بدهم  
جناب عالی متعذر بگذر موجه شدید و از قبول تمهد خسارات اتباع خارجه استنکاف فرموده قبول نکردید

یحی العسینی (ناصر الاسلام)

از قراریکه جناب مستطاب آقای ناصر الاسلام شرح داده اند تمام صحیح است

امضا جمشید مهر سردار کبیر

قرار دادی که جناب آقای ناصر الاسلام شرح داده اند صحیح است و عین این پیشنهاد قبولی جناب  
آقای امین الدوله بود که حضرت اشرف سپهسالار اعظم دام اجلاله باین ترتیب ختم فرمایند توسط بنده و آقای ناصر الاسلام  
به جناب آقامیرزا کریم خان پیشنهاد شد استنکاف کردند (دکتر اسمعیل امین الملک)

شرحی را که جناب مستطاب آقای ناصر الاسلام سلمه الله تعالی مرقوم فرموده اند مطابق با واقع است خود این بنده هم تا درجه بجزریان مذاکرات مداخله داشتم و به هیچوجه شبهه و تردیدی در بین نیست حتی محمد امین خان از طرف حضرت اشرف آقای سپهدار اعظم معین و مأمور شد که برود در محل رسیدگی بمطالبات محلی بنمایند حضرت اشرف آقای امین الدوله و حضرت علیه فخر الدوله هم این قرار داد و حکمیت حضرت اشرف آقای سپهدار اعظم را قبول داشتند فقط جنابعالی در موضوع معاملات خارجی اشکال داشتید که بالاخره مستلزم تاخیر قطع معامله شد یعنی می خواستید کلیه دعاوی خارجه را راجع باین معاملات لشته نشاء بعهده حضرت آقای امین الدوله واگذارید ( محمد ) منشی باشی سپهسالار اعظم

شرح قرار دادی را که جناب آقای ناصر الاسلام مرقوم و جناب آقا میرزا محمد خان منشی باشی نوشته اند صحیح است و جای تردید نیست و بنده هم داخل جریان مذاکرات بودم و قرار بود در صورت قبول حضرت اجل عالی باین قرار داد بنده از طرف حضرت اشرف اقدس آقای سپهدار اعظم از جهت رسیدگی بمطالبات محلی لشته نشاء بروم حضرت عالی این قرار داد را قبول نکردید فرمودید جواب معاملات رعایای خارجه باید باقی امین الدوله باشد ( محمد امین ) پیشخدمت باشی سپهسالار اعظم

شرح قرار دادی را که جناب مستطاب آقای ناصر الاسلام راجع به لشته نشاء و آقای امین الدوله شرح داده صحیح است ( علی منتصر الدوله )

شرح قرار داد راجع به لشته نشاء که جنابان مستطابان آقای ناصر الاسلام و آقای آقا میرزا محمد خان منشی باشی مرقوم داشته اند صحیح است و جای شبهه و تردید نیست ( سراج لشکر )

بطوریکه جناب مستطاب آقای ناصر الاسلام و جناب آقا میرزا محمد خان منشی باشی در باب عمل لشته نشاء نوشته و شرح داده اند صحیح است و این بنده هم اطلاع دارم ( نواب الملک )

از قراری که تحقیق نموده در این مدت اطلاع دارم مطابق مرقومه جناب مستطاب آقای ناصر الاسلام صحیح است ( سعد السلطان )



آقای امین الدوله به اشتباه کاری و به منفعت خود کاغذی از رئیس الوزراء وقت تحصیل مینمایند باین مضمون شنیده میشود لشته نشاء را میخواهید بمیرزا کریمخان اجاره بدهید ازین خیال منصرف بشوید و درینموقع اسناد خود را خدمت ریاست وزرا فرستاده و عریضه عرض نمودم پس از ملاحظه اسناد بنده جوابی مرقوم داشته اند که ذیلا درج میشود

نمره (۱۴) سواد مرسله رئیس الوزراء ریاست وزراء تاریخ پنجم شهر ربیع الثانی ۱۳۳۷

آقای آقا میرزا کریمخان خدا شاهد است که اگر بنده اطلاع در این اسناد معاملات و شرکت باغیر را میدانستم و اگر در این کار طرفیت داشته باشم وزارت خارجه به تصور محذورات محتمله باقی امین الدوله نوشت لشته نشاء را بجنابعالی اجاره ندهند بدهم وزارت خارجه و وزارت داخله اظهار کردند از هیئت وزراء چیزی باقی امین الدوله نوشته و اخطار شود هم رفع محذورات محتمله میشود و هم اینکار زودتر صالح و حائمه پیدا میکند این

بود از طرف هیئت وزراء اختطاری آقای امین الدوله شد خیال اجاره دادن ایشانش را باقی میرزا کسریمخانی دارید ندهید و الا دخلی بمعاملات و مداخله شرکاء ندارد از جهت شرکاء و معاملات هیچ محذوری نبوده و نیست مقصود دولت در اجاره مستقیم جنابعالی بوده است و مخصوصاً این اسناد تاریخش قبل از اختطار است جواب ده این اسناد آقای امین الدوله است باز هم خواهش میکنم اگر ممکن است قرار داد حضرت اشرف آقای سپهدار اعظم را قبول کنید و اگر محذوری دارید چنانچه در کاغذ قبل نوشته شده است دونفر از طرف جنابعالی دو نفر از طرف آقای امین الدوله و دو نفر هم از طرف هیئت وزراء امین شود در هیئت وزراء این کار خاتمه پیدا کند این دو شق هر کدام را که میل دارید فوری اقدام در انجام شود

نجفقلی (ریاست وزراء)



عریضه ایست که در موقع تبید از قم بوزارت خارجه نوشته ام

**نمره (۱۵)** زیارت مرقومه آنوزارتخانه محترم که حاوی سواد رقمه جوایه آقای امین الدوله بود نائل اصلاً از اینجواب متعیر نمیشوم زیرا از ابتدای گفتگوی لشته نشاء نامروز مکاتیب متعدده که از آنوزارت محترم صادر شد هر یک جالب حیرت بوده و مرقومه اخیری نیز در ایهام ردیف همان مرقومات است ولی باز هم مکلفم در عرض بعضی عرایض ( سواد مرقومات صادره از آنوزارت خانه جلیله را یا ملاحظه فرمودید و از خاطر محترم معسو شده یا اینکه مقام را در اینخصوص مقتضی بی لطفی دیدید

اینکه آقای امین الدوله صحبت محاکمه در عدلیه را نموده مخصوصاً استعجاب از مداخله وزارت جلیله خارجه کرده جواباً عرض مینمایم اگر ایشان امروز برای مصلحت شخصی این استعجاب را بنمایند وزارت جلیله خارجه که از آغاز تا اکنون بامر مداخله صریح فرمودند چرا چنین استعجابی را رد نمودند مگر مرقومات محترمه در دست بنده و کوییه آن دروزارت خارجه موجود نیست که مرقوم داشتید اگر تخلیه ید ایشانش نشاء نکنید دولت ضبط و مداخله کردم در حقوقات و دعاوی شمارسیدگی نموده خواهد پرداخت ) از فحوای مرقومات محترمه معلوم شده بود طرف دولت بوده چون دولت را بر طبق همان مرقومات طرف فرار دادید بنده لزوماً ایرادات موجه خود را پیشنهاد میکنم ( اولاً اگر دولت طرف بوده چرا امین الدوله استفاده کرد بعد مطالبه محاکمه در عدلیه باشخص خودش مینماید)

ثانیاً رعایای روس چرا مداخله در محل کرده فعلاً غاصبانه محل را تصرف دارند اگر شخص امین الدوله طرف بود چرا از یک وزارتخانه معتبر دولت چنین برتستی به بنده میشد و بامین الدوله آن اندازه موقع داده که آنها وزارت وارد کرده اسناد بنده را در محل ضبط نموده برنج موجودی وجو و غیره آتش زده بول و اشیاء را تاراج کند بعد از روی استبعاد و ظفره بگوید که بمحاکمه حاضر در حالیکه بنده هم بامر دولت بتعییم محل متصرفی بنده هم درید غاصبانه دیگری است ) اگر بولتیک خارجه اقتضای اینمسئله را نمود آنها عرض می کنیم اولاً لشت نشاء یک مملکت مستقلی نبوده و عمل اجاره و استجاره و تجارت چیزی نیست که محل یک دولتی شده و به بولتیک او ضرری برساند ) ثانیاً بر فرض اینکه بولتیک دولت دیگر چنین اقتضای داشته پس امین الدوله چه می گوید و محاکمه او با چه چیز است و استفاده او چه عملی خواهد داشت انصافاً در هر عدلیه ناقص بی تریبی هم آغاز سخن کنیم و مرقومات وزارت خارجه را ارائه دهم و اینمسائل مسطرخ شود اعضاء عدلیه و مستمین چه خواهند گفت ) حقیقتاً دولت در این مورد این رویه را اتخاذ کرده یا اینکه خدای نکرده در مورد دیگران هم این طور معمول می شود



در هیچ شرع و کتابی چنین دستوری ندارد که يك مدعی بقر و غلبه و بقوت خارجه و بهمراهی و پروتست دولت خود محل متصرفی شخص را از ید او انتزاع کند خسارت وارد بنماید اسناد او را ببرد اموال او را تاراج نماید و او هم حبس و تبعید باشد آنوقت در جواب تظلمات آن شخص توسط همان دولت بگوید که محاکمه کنم ( اگر کار بایستی بصورت محاکمه قطع و فصل شود دیگر پروتست دولت چه بود مداخله اتباع خارجه چه جهت داشت امین الدوله بدولت عارض میشد در عدلیه محاکمه کرده حق با هر که بود واضح و احقاق حق میکردند اما این کیفیات را هم جزو مقتضیات وقت باید دانست خیلی جای حیرت است که نمی فهمم در این قضیه طرف کیست دولت ایران است - دولت خارجه است - امین الدوله است - یا اینکه هر سه طرف هستند کار بزور و قدرت باید انجام شود یا حسابی و قانون و عدل و نصفت به قدر خردلی اقلای باید در کار باشد ) بنده هیچ اگر روزی دوسیه مکاتیب وزارت جلیله خارجه را دیگران به بینند و در این قضیه بقدر ذره تأمل بنمایند چه خواهند گفت حال چنانکه تلگرافاً عرض کردم باز هم کتباً عرض مینمایم اگر دولت ایران در این خصوص هم ناچار از ملاحظه مقتضیات وقت است پس خود دولت چنانکه در مرقوم وزارت خارجه درج است مداخله کرده دست اتباع خارجه و آقای امین الدوله را خارج کرده خساراتی که در آن محل به بنده و شرکاء وارد شده مسترد فرمایند ) اگر دولت دیگری طرف است اجازه دهند تا مستقیماً با آن دولت مذاکره کنم ) اگر فقط آقای امین الدوله طرف است پس محلی را که بزور گرفته بامر دولت تحویل کند خسارات وارده و اسناد را مسترد دارد آنوقت هر گونه حرفی داشته باشد در عدلیه بامر محضر شرع بامر محکم که قانون مملکتی اجازه دهد آغاز سخن کرده تدافع ختم عمل شود چنانکه هر قانونی در باره مدعی و مدعی علیه در هر مقامی باشند همین نحو حکم کرده و خواهند کرد و مقرر شود آقای امین الدوله از مسافرت فعلاً ممنوع شده نامسئله گشت نشاء قطع و فصل شود ) بیچوجه نمیتوان اقناع شد که محل متصرفی بنده را بهمراهی دولت و مساعدت خارجه امین الدوله غاصبانه ضبط بکند مبلغ خطیری خسارت به بنده و شرکاء وارد نماید بعلاوه سابقاً خبراً هم کمی پول از بنده بگیرد بقروض خود بدهد و بنهیه لوازم صرف کند بعد از حالیکه بنده در حبس و تبعید باشم آنوقت مسافرت کرده فقط بدو کلمه جواب تفتنی که در محاکمه حاضریم - آنهمه نکاتی را که دولت مستحضر است اکتفا نموده مسافرت نمایند و حقوق کلی بنده و شرکاء در بوطه ترضیع بماند چنانکه مکرر عرض کرده ام باز هم عرض میکنم هر گونه خسارت در اینخصوص از اتباع خارجه به بنده شود جواب آن با هیئت دولت و امین الدوله خواهد بود عجب از اظهار و تعجب امین الدوله در آن رقعہ جواییه بی اساس که بوزارت خارجه نوشته نیست زیرا از این تعجبات مصنوعی بسیار دارد ولی عجب از آنوزارت جلیله است که با آنهمه و مداخله وزارت خارجه در این خصوص و مکاتباتی که در این مدت شده و از کلیات و جزئیات امور مستحضرنند مع هذا يك همچو رقعہ بی اساسی را از امین الدوله می پذیرند عجبتر برای استحضار بنده که محبوس و تبعید شده دوتم ارسال میفرمایند (خدایا زین معما پرده بردار) مستدعی است مقرر دارید که بدوسیه مکاتباتی که راجع بامر ایش نشاء سنوالا و جواباً باینده و امین الدوله شده مراجعه شود تا معلوم گردد و تذکرات اینمطلب را عرض میکنیم که اگر دولت در هر نوعی در مقام احقاق حق بنده و شرکاء برآید در بعضی از مضای بدون حضور امین الدوله و بنده قطع و فصل ممکن نیست مواجهه طرفین ولو در تحت نظارت دولت باشم لازم است و مسافرت امین الدوله موجب تعطیل و ترضیع حقوق بنده و شرکاء خواهد شد امر کم مصاع امضاء عبدالکریم



در مراجعت از قم عریضه بحضرت اشرف سردار منصور سپهدار اعظم حایله بفرانکستان نوشته و راجع بمداخله حضرت اشرف سبهسالار اعظم شکایت نموده و سنوالی نوشته فرستادم که با ذریعجان خدمت حضرت اشرف سبهسالار

اعظم فرستند که ما یعلم خود را نویسد جوابی که سپهسالار اعظم به سپه‌دار اعظم در این باب نوشته اند ذیلا درج میشود

**نمره (۱۶) در خصوص وقایع آقای امین الدوله و آقای میرزا کریمخان که بحضر تعالی نوشته اند بدست**

بنده بایشان صدمه رسید فی الحقیقه خیلی متأثر شدم زیرا که پس از اینکه آقای میرزا کریمخان بطهران تشریف آوردند بنده دیدم که معذوراتی برایشان در میان است امین الدوله هم میخواست که حرف خود را مکتوب کند طرفین دوسه ماه تمام بنده را با عین بیکاری در طهرای زحمت و گرفتاری دادند هر چه خواستم طرفه بزنم سهل است بشیران مرقم خلاصی نداشتیم با اینکه جنرال قونسول و دیگران ملک را برای تاجر باشی و غیره اجاره کردند و یک مبلغی هم آقای امین الدوله باقا میرزا کریمخان میدادند قبول نمیکردند من هم آمدنی آذربایجان شدم آقا میرزا کریمخان هم از طهران نمی شدند فی الحقیقه من میخواستم باینوسیله انزجار خاطر روسها را از آقا میرزا کریمخان و سردار محیی بلکه رفع کنم بد بختانه کار طور دیگر شد بهر حال سئوالی که نوشته اند چون امروز موقع گذشته بود انشاء الله تعالی با بست دیگر آنچرا که در نظر و خاطر من باشد مینویسم لیکن با اعتقاد بنده صبر کنند تا ورود خودم بطهران و در آنجا یکنوعی مصلحانه با رضای سفارت روس بکنند و اقدام کنم بهتر باشد

محمد ولی سپه‌دار اعظم



حضرت اشرف آقای سپهسالار اعظم مرقوم فرموده اند از مزاحمت دادن بنده و آقای امین الدوله راحت نداشته اند خواطر مبارک خودشان و تمام بستگان معظم الیه شاهد و گواه است که بنده پیوسته برای اینکه در این باب داخل مذاکره نشوم از شرفیابی طرفه میزدم بلکه منجر به چند عریضه گله و شکایت گردید که بتوسط جنابان آقای ناصر الاسلام و آقای سردار محیی و دیگران تقدیم داشتم

**خلاصه تلگرافات**

اداره شمال رشت

جناب مستطاب اجل اکرم آقای حاج امین الدوله دام فایده تلگراف جنابعالی جواباً ر مورد معاملات آقای میرزا کریمخان و شرکاء ملاحظه اینکه تعیین محکمه را خواسته اید که وکیل خود را معرفی فرمائید با اطلاعاتیکه بمعذورات اینکار داریم و نظر بر اینکه در یکی از نوشتجات خودتان صریحاً حق شرکت یا غیر داده اید و از قراریکه دیگران هم ذمیمدخل هستند کویا بهتر این باشد که محکمه مخصوص برای رسیده گی اینکار تشکیل نموده و صلاح جناب عالی هم در این است که وکیل ثابت الوکاله از طرف خود معرفی فرماید تا خاتمه صحیحی باینکار داده شود و مخصوصاً بوکیل خود اختیارات کامله خواهید داد که بعد از ثبوت حق از عهده برآید محرم نمره ۵۱۶۸ وزارت داخله

مقام منبع حضرت اشرف اکرم آقای رئیس الوزراء مد ظله العالی

در جواب تلگراف مبارک نمره ۷۶ عرض کرده بودم تفصیل را بابت جسات خواهم کرد حالا هم در جواب تلگراف نمره ۱۶۰ عرض میکنم که نسبت به دعاوی میرزا کریم خان لشت نشاء ملک نواب فخر الدوله و از طرف بنده در کلیه امورات وکالت شرعی دارند و هر طور ایشان قرار بدهند بنده قبول میکنم بدیهی است وقتی عدلیه محاکمه کرد و تکلیف طرفین معلوم شد جواب و تکلیف دعاوی میرزا کریم خان معلوم خواهد شد زیاده جسات نمیکم

محسن ابن علی مهر امین الدوله

سیم شهر صفر ۱۳۳۱

بعضی از احکام وزراء عظام راجع به رد و تکذیب نوشته که آقای امین الدوله باشتباه از هیئت وزراء صادر کرده بودند و ایضا حکمی که درین باب برؤسای معاکم عدلیه و معاکمات خارجه صادر فرموده اند و همچنین حکم راجع به ضبط لشته نشاء ذیلا درج میشود

توضیح آنکه همان کابینه که بامین الدوله نوشته داده بودند در تکذیب نوشته مزبور حکم داده اند

**نمره (۱۷) از طهران به رشت نمره ۳۷۳**

آقای امین الدوله تلکراف جنابعالی در باب وکالت نواب علیه فخر الدوله رسید فخر الدوله میگوید ببدلیه رجوع کنند تا من و کیل معین نمایم جنابعالی میدانید لشته نشاء در تصرف آقا میرزا کریم خان و شرکاء بوده است وزارت خارجه اخطاریکه در عدم اجازه اجاره آقا میرزا کریم خان بجناب عالی نمود عریضه بهیئت وزراء و درخواست تکلیف کردید دولت هم بواسطه مقتضیات وقت بجناب عالی نوشت در عدم اجاره میرزا کریم خان ولی این اخطار و حکم برای ما بعد بوده است بهیچوجه برای ما قبل نبوده و نیست و نمیتوان گفت معاملات و محاسبات و حقوق آقا میرزا کریم خان و شرکاء تسویه نشود خصوصاً که اجاره نامچه قبل در دست میرزا کریم خان است و حق شراکت بغیر و میرزا کریم خان هم با اختیار و اجازه جنابعالی با اتباع خارجه شرکت نموده محل را همه تصرف داشته لشته نشاء را بدون معاکمه باسم مقتضیات وقت از ید میرزا کریم خان و شرکاء خارج کردند تکلیف دولت هم باین محذورات چیست چنانچه وزارت خارجه در جواب آقا میرزا کریم خان مینویسد اگر اجاره لشته نشاء تعقیب بشود بواسطه مقتضیات وقت دولت لشته نشاء را ضبط اداره مستقیم میکند آنوقت حقوقات و دعاوی شما را خواهد پرداخت جناب عالی هم مشکلات و محذورات و دخالت شرکت غیر را میدانید چنانچه همان موقع در هیئت وزراء قول صریح از جهت تسویه حقوقات و معاملات آقا میرزا کریم خان و شرکاء داده بودید آقا میرزا کریم خان اظهار میکند فخر الدوله را در این عمل نمیشناسم یادوات لشته نشاء را ضبط حقوقات و معاملات را ادا نماید یا آنکه محل متصرفی من و شرکاء را کما کان در تصرف بدهد هر که حرف دارد برود عدلیه جواب بگویم جواب و تکلیف این حرف حسابی چیست باین اسناد صحیحه و اختیارات حق شرکت باغیر و حق معاملات که خودتان تا پنج سال بعهده گرفته اید در عالم خیر خواهی بجناب عالی تاکید میکنیم که قبل از آنکه اینکار تولید اشکالات بکند و دولت مجبور باقدام مؤثری بشود یا خودتان بطهران بیاید یا وکیل ثابت الوکاله تعیین کنید همانطور که وزارت داخله تعیین محکمه کرده رسیده گی بشود ۲۵ شهر محرم الحرام ۱۳۳۱ نمره ۶۴۴ ریاست وزراء

از طهران رشت نمره ۱۷۳

جناب مستطاب اجل اکرم آقای حاج امین الدوله دام اقباله العالی در باب اجاره و معاملات آقا میرزا کریمخان و شرکاء کراراً بجناب عالی تلکراف شده مشکلات و محذورات اینکار همان است که ریاست وزراء عظام در تلکراف نمره ۶۴۴ توضیح و اشعار فرمودند دیگر لازم به تجدید اظهار وزارت داخله نیست تملل و امرار وقت برای خود جناب مستطاب عالی مضر است هر قدر زود تر اینکار ختام پیدا نماید بصالح خودتان اقرب است نمره ۵۲۴۸ وزارت داخله

نمره ۲۱ از طهران رشت

خدمت جناب مستطاب اجل آقای حاجی امین الدوله دام اقباله در باب گفتگوی آقا میرزا کریم خان و شرکاء راجع باجاره و معاملات لشته نشاء اشکالات و محذورات این کار را مکرر وزارت داخله و مقام ریاست وزراء در نمره ۶۴۴ بجنابعالی تلکراف نموده لازم به تجدید اظهار عدلیه نیست در مقام خیر خواهی عرض می شود هر چه سرعت در گذشت اینکار بفرمائید بصالح اقرب است اسمعیل ممتاز الدوله وزیر عدلیه

۲۱۴ جناب مستطاب اجل اکرم آقای امین الدوله دام اقباله در باب گفتگوی آقا میرزا کریم خان و شرکاء راجع باجاره و معاملات لشته نشاء و اشکالات و معظورات اینکار همان است که از مقام ریاست وزراء مفصلاً در تلکراف نمره ۶۴۴ توضیح و اشعار شده است لازم به تجدید اظهار نیست و بهتر این است زودتر خود جنابعالی بطهران بیاید یا وکیل معین کنید همانطوریکه از وزارت داخله تلکرافیه کرده اند رسیده کی شود نمره ۳۵۶۳ وزارت جنک

۲۱۵ جناب مستطاب اجل آقای امین الدوله در موضوع ادعای آقای میرزا کریم خان و شرکاء راجع باجاره و معاملات لشته نشاء از مقام مینع ریاست وزراء عظام و سایر وزارتخانهها آنچه لازم تأکید در اختتام این اختلاف و رفع غائله بوده است شده و نیز تصریحاً توضیحات داده شده که تعلل در این امر چه نتیجه شومی را متضمن خواهد بود نظر اینکه وزارت مالیه بابتی خاطر شریف را از تصمیم دولت در تسویه این اختلاف مستحضر سازد لزوماً زحمت میدهد که سریعاً بگذراندن این عمل اقدام و وکیل ثابت الوکاله با اطلاعی انتخاب فرموده یا خودتان حاضر شوید که داخل مذاکره شده و بطور حقانیت قطع مابقی شود وزارت مالیه ۲۲ جدی ۱۳۰۰

برقوسای ادارات محاکمات از عدلیه و محاکمات خارجه و غیره اخطار میشود چنانچه در هیئت وزراء قرار داده شده است کاغذی که آقای امین الدوله در باب لشته نشاء و آقا میرزا کریمخان از وزراء در دست دارد از درجه اعتبار ساقط است و در هیچ محکمه نمیتواند او را سند خود قرار دهد زیرا آن اخطار برای مابعد بوده است ابتدا مربوط بدولت نیست و نخواهد بود ریاست وزراء نمره ۹۱۷

**حکم ضبط لشته نشاء و کشف دسیسه**

حکومت جلیله گیلان در باب لشته نشاء و گفتگوی آقای امین الدوله و آقا میرزا کریمخان و شرکاء ایشان و معاملاتیکه راجع بعمل لشته نشاء و با اتباع خارجه کرده اند قرارداد در این باب بجنابعالی و آقای امین الدوله تلکراف شده است مخصوصاً تلکراف اخیر ریاست وزراء نمره ۶۴۴ عطف نظر نمائید و بر طبق تلکراف مزبور آقایان وزراء هم جداگانه تلکراف و تصمیم دولت را راجع باین مسئله اظهار داشته اند و تا کنون اثری بظهور و منتج نتیجه نشده است بموجب فصل پنجم اجاره نامه آقای امین الدوله تصریح کرده اند هرگونه معاملاتیکه بمواد اجاره نامه مطابقه کند آقا میرزا کریمخان میتواند معامله بنماید و علاوه بموجب اجاره نامه آقا میرزا کریمخان اختیار معاملات و شرکت با غیر را حایز است در اینصورت بمدلول اجاره نامه معاملات برنجی و ابریشمی که با اتباع خارجه شده است تماماً را باید آقای امین الدوله عهده نماید همچنین منافع اجاره و غیره باید با آقای میرزا کریمخان و شرکاء او عاید شود و هرگونه خسارتی که با آقای میرزا کریمخان و شرکاء ایشان راجع اجاره لشته نشاء وارد شده است بمدلول اجاره نامه باید آقای امین الدوله از عهده برآید چنانچه در يك کاغذ جدا گانه منعقد شده است که خسارات وارده را بپردازد

لذا هیئت محترم دولت تصمیم نموده اند که لشته نشاء را نسبتاً بمسئولین آن محصور و منافع و معاملات برنجی و ابریشمی و شرکت بهیطة وصول آید و مطالبات حقه آقا میرزا کریمخان و شرکاء تمام و کمال با فرع با قا میرزا کریمخان و شرکاء ایشان عاید شود بهیئت وزراء عظام معلوم شده است آقای امین الدوله با لقا شبهه بعضی لشته نشاء را که اجاره و جزء تجارت است و بر خلاف قوانین نصفت ترضیع حقوقات و معاملات آنها شده است و کاغذی را که در این باب از هیئت وزراء در دست دارند چون باشتباه صادر شده از درجه اعتبار ساقط و در هیچ محکمه بر حقانیت آقای امین الدوله و بطلان

حقوق و معاملات آقا میرزا کریمان و شرکا، ایشان شناخته نخواهد شد و انکهی کاغذ مزبور راجع  
بمعاملات مابعد بوده نه ماقبل چنانچه در تلگراف ۲۵ محرم نمره ۶۴۴ اشعار و توضیح شده مطابق تلگراف  
مزبور نیز با قای امین الدوله از هیئت وزراء در خصوص مشکلات ابرار اخطار شده است نمره ۹۱۶ ریاست وزراء



از ملاحظه حکم فوق کاملاً حقیقت کشف و معلوم میشود مراسله وزارت جلیله امور خارجه که به نمره ۱۲ و  
ضمیمه هایش قبلاً درج شده است با شتبه کاری و دسیسه صادر گردیده و حقایق اینجانب را بخوبی ثابت مینماید  
بعده از ۱۴ ماه پاکلو فسکی وزیر مختار تزار مراسله مملو از افتراء و تهمت بوزارت خارجه مینویسد  
تا آن وقت سابقه در این باب در ارشیو وزارت خارجه و سفارت روس نبود - و معلوم است املاء این  
کاغذ بقلم کسی بوده است و بنده بدست آورده ام - وزارت امور خارجه با موقمینی که آن روزها دولت ایران دارا بود  
جوابی باین مراسله شرم آور و هوسناکانه پاکلو فسکی مینویسد و در رد و تکذیب اظهارات او و امین الدوله و اثبات  
حقایق من دلائل واضح و براهین قاطعه اقامه مینماید جواب مزبور در نمره ۲۷ درج میشود . و از ملاحظه  
قارئین محترم میکندرد و حقیقه مکشوف میشود و با این ادله قاطعه که وزارت خارجه دولت ایران آن  
هم در پنج سال قبل در مقابل خشونت و تهدید وزیر مختار تزار اقامه مینمایند در حقایق من و ابطال  
مفتریات طرف تردیدی برای کسی باقی نمیکندارد

آقای امین الدوله راجع به تحصن خودشان در سفارت روس مثل سایر مطالب بمقاطعه و سفسطه متوسل شده و بنده  
را مجبور داشته اند که برخلاف نزاکت اخلاقی فقط برای دفاع از خود این جمله را متذکر شوم  
آقای امین الدوله نظر به عملیاتی که در موقع بمباردمان مجلس در پاریس خود ( راجع به ملك المتکلمین و کبل حاجی  
میرزا ابراهیم آقا میرزا جهانگیر خان) مرتکب شده بودند در اعاده مشروطیت بمقتضای خوف با جمعی دیگر سفارت های  
مختلفه پناهنده شدند مربوط به بنده نیست چنانچه در مراسله وزارت جلیله خارجه در نمره ۲۷ مصرح است .  
و نیز از ذکر این جمله ناگزیرم که آقای امین الدوله همیشه در خیال انکاء و انکال سفارت تزار روس بوده اند  
چنانچه در زمان مرحوم مظفرالدین شاه بتوسط سید کاظم مجاهد تبریزی در صدد تحصیل تذکره معمول تبعیت  
روس بر آمدند و بالاخره کار اختلاف و مشاجره ایشان با سید کاظم بالا گرفت و به تحصن خانه مرحوم حجة الاسلام  
آقا سید عبدالله و دخالت حضرت آقای صاحب اختیار و غیره منجر گردید  
باین تفصیل معلوم نیست آقای امین الدوله بوسیله چه تعارف ذی قیمه و رشوه پربهایی توانسته است حمایت پاکو فسکی  
سفیر روس را بطرف خود جلب نمایند تا آنچه را که در بطلان حقوق من و اهت و افتراء نسبت به من بخواهند  
وزیر مختار به نویسد

### مراسله پاکو فسکی

**نمره (۱۸)** بطوریکه جناب مستطاب اجل عالی کاملاً مسبوق و مستحضرید در حین وقوع باوا و انقلاب جناب امین الدوله و  
شاهزاده خانم فخرالدوله باندازه مورد تعدیات و اجحافات میرزا کریمان و برادرانش که در آنوقت اهتی گیلان را بیم  
داده و اخذ می نمودند واقع و جانیشان در معرض خطر بود که مجبوراً و ناچاراً جناب امین الدوله از سفارت سنیه دون  
اعلی حضرت امپراطور خواستار حمایت گردید و فرقه دموکرات بریست آقای حسینقلی خان نواب که در آنوقت  
رمام قدرت و اختیار دولت در دست آنها بود همه قسم مواعید صریحه در باب امنیت و حمایت بجناب مشرفیه داده و  
وازیست و تحصن سفارت سنیه ایشان را خارج نمودند ولی برخلاف انتظار بنفسای مواعید خود قیام نکردند بهیچوجه  
مساعدت و حمایتی بر ضد اشخاص متعددی و ظالم نسبت بجناب امین الدوله بعمل نیامده ایشان و عیالشان برای حفظ



املاك گیلان خود از غارت و چپاول کلی مجبوراً آن املاك را بمیرزا کریمخان اجاره دادند چون گویا از این اجاره نامه شورشیان مشارالیه هم متقاعد و راضی نبودند تهدید موزر امین الدوله را مجبور ساختند که مجدداً قرار دادی در امتداد مدت اجاره با آنها منعقد سازد و مقصود از مدلول این قرار داد جدید این بود که جناب امین الدوله و عیالش بکلی لاشیئی و بی چیز شوند پس از آنکه فامیل میرزا کریمخان از گیلان خارج و تبعید گردیدند قونسولگری دولت امپراطوری در گیلان بخوبی ملتفت شد که تاچه اندازه ظلم و تعدی از فامیل میرزا کریمخان بفامیل جناب امین الدوله که سابقاً در تحسن سفارت سنیه بود وارد آمده و بر حسب خواهش این سفارت کابینه جناب صمصام السلطنه بملاحظات پلیسکی کتباً بامین الدوله حکم کردند که عمل اجاره و استجاره املاك خود را بمیرزا کریمخان فسخ و باطل نموده بشخص دیگرى اجاره دهد و بتوسط جنرال قونسولگری طهران و جنرال قونسولگری گیلان بتصویب اولیای دولت علیه ایران املاك مزبور را اجاره بکنفر از اتباع محترم روس داده شد و باعث آسوده گى موقتى جناب امین الدوله گردید اما بعد از مراجعت میرزا کریمخان و سردار محبى به طهران گویا بتصویب بعضى از اجزای کابینه سابق باز بجناب امین الدوله و عیالش بنای ظلم و زیاد روی را گذارده از آنها مطالبه خسارت فسخ اجاره و مطالبات غیر منصفانه دیگر مینمایند بنابر این سفارت سنیه ابدأ و بهیچ وجه نمى تواند مسئولیت فسخ اجاره را که بموجب حکم اولیای دولت علیه بوده بعهدہ جناب امین الدوله و عیال ایشان بگذارد ولی وجود معامله صحیح بدون تهدید موزر فیما بین مشار الیها بفامیل میرزا کریمخان ممکن و میتواند قبول نماید که در آتیه در این خصوص مذاکره بعمل آید بشرط اینکه بموجب اجاره نامه اولیه باشد لا غیر و بمسببت اینکه دوستدار از قانون شناسی و انصاف کابینه حالیه و مخصوصاً از حقکداری و معدلت آنجناب مستطاب عالی کاملاً مستحضر است بانهایت توقیر و احترام خواهشمند است مقرر فرمائید میرزا کریمخان و براد انش برای رسیدگی بیطرفانه در خصوص مطالبات خودشان از جناب امین الدوله بابت اجاره نامه اولیه بمحاکمات رجوع نمایند و در خصوص معاملات دیگر که اجاره نامه دویم هم از همین قبیل است آنها را بکلی منسوخ و باطل دانسته و میرزا کریمخان را مجبور کنند که تمام اسنادی که بضرب تهدید موزر از جناب امین الدوله و فخرالدوله گرفته است مسترد دارد چون دوستدار حال هم مانند سابق این عمل را مهم میدانند فقط از روی انصاف بلکه برای اینکه امین الدوله بمواعید کاذبه حکومت اسبق نه باختیار از بست و تحسن سفارت سنیه خارج شده و بموجب حکم اولیای دولت علیه که بر حسب خواهش و تصویب سفارت سنیه باو داده شده اجاره نامه دویمی را فسخ نموده است لهذا اینقره سفارت سنیه را مجبور می سازد که با امین الدوله در این موقع که بجهت اجرای حکم اولیای دولت متبوعه خود مقصرش میدانند معاونت و همراهی کند در این موقع احترامات فایقه را نسبت بان جناب مستطاب عالی تجدید مینماید

**پاخلوفسکی گوزل**

جواب این مراسله را در نمره ۲۷ بدقت بخوانید

التزامی که ذیلاً درج میشود بهمن مضمون هم آقایان امین الدوله و خریلوس بوزارت خارجه التزام میسپارند پس از چند جلسه رسیدگی باین کار همینکه آقای امین الدوله احساس محکومیت نمود از حضور در مجلس امتناع ورزیده و بسفارت تزار متوسل گردید .

**نمره (۱۹)** مقام منبع وزارت جلیله خارجه دامت شو کنها این بنده حاضریم مجلسی که مرکب از اشخاص ذیل است برای تسویه ادعای مسیو خریلوس بر بنده و جناب آقای امین الدوله هیئت دولت تعیین میفرمایند آقای صاحب اختیار آقای ذکاء الملك آقای حاج سید نصرالله آقای مشاور الملك آقای مشاور السلطان آقای ادیب السلطنه آقای نصر الملك

با حضور مسیو خربلوس یا وکیل او و آقای امین الدوله حضور بهمرسانیده پس از تحقیقات و اصفای عرایض طرفین و نوشتن جانیکه راجع باین معامله و موضوع است رسیدگی و دوسیه نموده هر حکمی بفرمانند اطاعت کنم بتاریخ شهر ذی حجه بارس نیل ۱۳۳۲ محل مهر عبدالکریم



مراسله سفارت روس بوزارت امور خارجه

نمره (۴۰) سواد مراسله سفارت روس مورخه ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۳۳ نمره ۳۲

جناب مستطاب اجل اکرم افخم دوستان استظهارا مکرما محترما بطوریکه خاطر مودت مظاهر جناب مستطاب اجل عالی هم مسبوق و مستحضراست جناب امین الدوله برای استخلاص از تعذبات و اجحافات میرزا کریم خان و برادرانش راجع باملاک کیلان خود که در اجاره تبعه روس است منوسل به تحصن و حمایت سفارت امپراطوری گردیده و از طرف سفارت هم اقدامات لازمه بعمل آمده و کلیه امور راجعه باملاک جناب مشار الیه باید در تحت مراقبت و نظارت اولیای سفارت امپراطوری تصویب سکردد چون از قراریکه اطلاع حاصل آمده در این باب مابین جناب امین الدوله و بگنفر از اتباع عثمانی در وزارت جلیله امور خارجه محاکمه خواهد شد و دلیل صدق این فقره مراسلات ذیل است که بجناب امین الدوله مرقوم شده است

مراسله مورخه ۱۳ شوال سنه ماضیه امضای آقای پرنس علاء السلطنه و قمره ۱۲۵۹ - مراسله آقای مشاور الممالک مورخه ۱۸ ذیحجه سنه ماضیه - ایضاً مراسله پرنس علاء السلطنه مورخه ۲۴ محرم هذه السنه نمره ۱۱۸۸۵ - ۲۱۶۱  
مراسله مورخه غره صفر هذه السنه آقای پرنس علاء السلطنه ۲۲۳۱ - مراسله مورخه ۱۶ ربیع الثانی هذه السنه جناب مستطاب عالی ( معاون الدوله ) نمره ۲۸۹۸ - مراسله جناب مستطاب عالی بتاریخ ایضاً نمره ۲۹۱۶ - مراسله مورخه ۱۶ ربیع الثانی هذه السنه بامضای آقای مشاور الممالک نمره ۲۸۹۶

لهذا قبلا با نهایت احترام خاطر محترم جناب مستطاب اجل عالی را قرین استحضار میدارد که هر حکمی که از آنوزارت جلیله در این خصوص صادر گردد خالی از اعتبار و البته دوستدار نمیتواند آرا پذیرد و باید محاکمه که میشود با حضور نماینده سفارت امپراطوری باشد و ضمناً خاطر دوستی مظاهر را بمدلول مراتبه مورخه ۱۴ ربیع الاول ۱۳۳۱ نمره ۱۲ که تصریح شده است ( مقصود مراسله پاکلوفسکی است که در نمره ۱۸ درج شده است ) سفارت سنیه ابدآ و بیچوجه نمیتواند مسؤلیت فسخ اجاره را که بموجب حکم اولیای دولت علیه بوده بعهده جناب امین الدوله و عیال ایشان بداند و امتذکر می سازد در این موقع احترامات فایده را تجدید مینماید



جواب وزارت خارجه در مندرجات مراسله سفارت

نمره (۴۱) سواد مراسله وزارت خارجه بسفارت روس مورخه ۱۲ جمادی الاول ۱۳۳۳ نمره ۱۵۸۱۳

دوستدار با نهایت احترام در جواب گرامی مراسله مورخه ۲۵ ربیع الثانی نمره ۳۲ راجع با آقای امین الدوله زحمت افزای حواطر محترم عالی میگردد که توسل آقای امین الدوله با سفارت سنیه در سابق که آنهم از نقطه نظر توهماتی بوده است هیچوقت دلیلی برای این مسئله نخواهد بود که آن سفارت سنیه نسبت با قای امین الدوله ابراز حمایتی یا نسبت باملاک ایشان دعوی نظارت بفرمائید علاوه بر این چگونه میتوان قبول کرد که آقای امین الدوله از یکطرف در سنه ۱۳۲۷ به بهانه تعذبات میرزا کریمخان

و برادرانش تحصن اختیار نموده و از طرف دیگر در سنوات بعد از آن املاک خود را بمشار الیه تانیا اجاره بدهند در حقیقت این قضایا دارای یک اختلاف طبعی و دوستدار تصور مینماید آقای امین الدوله مطلب را در آن سفارت سنیه کما هو حقّه اظهار نموده و بطوریکه لازم بوده توضیحات نداده اند و اما مسئله گفتگوی آقای امین الدوله با یکنفر از اتباع عثمانی بطوری است که معاون وزارت امور خارجه با نایب اول سفارت سنیه مذاکره نموده و یاد آور گردیده اند که دخالت تبعه عثمانی در این کار بدینجهت هست که آقای میرزا کریمخان در اجاره ملک آقای امین الدوله بمناسبت اختیاراتی که برحسب قرار داد داشته است شراکتی با خریلاوس تبعه عثمانی کرده و یکفقره از اسناد معامله میرزا کریمخان و تبعه عثمانی را نیز خود آقای امین الدوله تصدیق نمودند و چنانکه مستحضرنه بروز این اختلافات فیما بین آقای امین الدوله و امیرزا کریمخان و خریلاوس از چند سال قبل باین طرف است که بالاخره پس از حصول موافقت با آقای امین الدوله برحسب امر هیئت وزراء عظام رسیدگی باین کار بکمسیون مخصوص محول گردیده است و کمیسون مزبور هم دومرتبه با حضور امین الدوله انعقاد یافت و در واقع پس از اظهار موافقتی که آقای امین الدوله کتبا در این خصوص نموده اند بسی مشکل میتوان اعتراض آن سفارت سنیه را تاویل نمود این انتظار دائما برای دوستدار باقی است که مامورین محترم دولت بهیه اعلی حضرت امپراطوری جز در مورد اتباع خود از کسی حمایت نداشته و چنانکه چندی قبل با جناب مشاور الممالک مذاکره فرموده اند امری که از بطرو کراد راجع بسلب حمایت از مجمین صادر فرموده اند بسوقع اجرا گذارده اولیای دولت علیه ایران را قرین امتنان فرمایند و بدینوسیله رعایت این مسئله شمه انصاف و حق شناسی آنجناب جلالتماب تصدیق مینماید که وزارت امور خارجه دولت اعلی حضرت شهرباری نمیتواند هرگز نظارت و دخالت آن سفارت سنیه را در امور راجعه باملاک آقای امین الدوله قبول نماید و با وجود دلایل متقنه که خاطر گرامی آن جناب جلالتماب دوستدان استظهاری را مستحظر داشت جای تردید نیست که هر مجلس که بامر اولیای دولت مینمایند دوستدار برای خاتمه دادن باختلافات حاصله فیما بین آقای امین الدوله و آقای میرزا کریمخان و شریک ایشان خریلاوس ماموریت داشته باشد هر رأیی اتخاذ نمایند در کمال استحکام و مجری خواهد بود

سوال هر چه در رسد



مراسله سفارت روس وزارت امور خارجه

سواد مراسله سفارت روس بوزارت خارجه مورخه ۲۴ جمادی الاول ۱۳۳۳ نمره ۳۵

**نمره (۲۲)** جناب مستطاب اجل اکرم افخم دوستان استظهارا مکرمات محترما کرامی مراسله محترمه جوابیه جناب مستطاب اجل مورخه ۱۲ شهر حال نمره ۱۵۸۱۳ - ۱۳۶۲ راجع باقای امین الدوله واصل دست توقیر و احترام گردیده اینک خاطر مودت مظاهر را مستحضر میدارد که دوستدار در جواب همان مندرجات مراسله مورخه ۱۳ ربیع الاول ۱۳۳۱ نمره ۱۲ و مراسله مورخه ۲۵ ربیع الثانی هذه السنه خود نمره ۳۲ کافی میداند و از اشخاص هم که در تحت حمایت سفارت میباشند کما فی السابق حمایت خواهد شد و در مذاکره هم که چندی قبل با جناب مشاور الممالک بصل آمده اینطور اظهار شده که از بطرو کراد چنین نوشته اند که من بعد حتی الامکان کسی در تحت حمایت قرار داده نشود در اینموقع احترامات فایقه را تجدید مینماید



مراسله وزارت امور خارجه بسفارت روس

سواد مراسله وزارت خارجه مورخه ۲۲ جمادی الاول ۳۳ نمره ۳۳۸ - ۲۱۶۳

**نمره (۲۳)** محترم مراسله سلف آن جناب جلالتماب مورخه ۱۳ جمادی الاولی گذشته نمره ۴۵ درباب آقای امین الدوله

واصل انامل توقیر و احترام گردیده و مورد نهایت تعجب و تأسف گردید زیرا بطوریکه استنباط میشود بمدلول مراسله سلف دوستدار مورخه ۱۲ شهر جمادی الاولی نمره ۱۵۸۱۳ - ۱۶۳۲ و دلایل متقنی که راجع بردتشیبات آقای امین الدوله در آنجا ذکر شده عطف توجهی بعمل نیامده است و الا یقیناً در تحریر جواب مراسله مزبوره و عناوینی که جوابده اظهارات و دلایل مذکوره در آن مراسله باشد مندرج میگردید بنا براین با نهایت احترام مجدداً دوستدار توجه خاطر محترم آن جناب جلالتماب را بدلائل واضحه متقنه که در مراسله فوق الذکر مندرج میباشد متوجه نموده رعایت موجبات آن را خواستار است ضمناً این نکته را متذکر میشود که از مراتب حقکذاری اولیای آن سفارت سینه هیچوقت انتظار نمیرفت که بدینطریق از قبول ادله واضحی که در مراسله مذکوره اقامه شده است خودداری نمایند و هم از تبیینی که در مراسله نمره ۴۵ آن سفارت سینه راجع بمذاکرات جناب جلالتماب مسیو کرسستوس با جناب مشاورالممالک ملاحظه میشود کمال افسوس حاصل است بنا براین خاطر نصفت مائر آنجناب جلالتماب عالی تصدیق خواهد نمود که با دلایل مذکوره در مراسله نمره ۱۵۸۱۳ - ۱۶۳۲ وزارت خارجه در نظریات خود محقق و در مسائل حقوقی راجع باقای امین الدوله هیچ دخالتی را از طرف کارگذاران سفارت سینه نمیتواند تصدیق نماید موقع را مغتنم شمرده احترامات فایقه را تجدید مینماید



مراسله سفارت روس راجع به محاکمه بنده و دکتور میخائیل و امین امین الدوله بوزارت خارجه سواد مراسله سفارت روس بوزارت خارجه مورخه ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۳۳ نمره ۵۷

**نمره (۲۴)** اقراری که باطلاع دوستدار رسیده است فردا سه شنبه ۲۶ شهر جال در محاکمات وزارت جلیله امور خارجه فیما بین جناب امین الدوله و دکتور میخائیل با پادویلو یوتانی در باب لشته نشاء محاکمه خواهد شد لهذا دوستدار با نهایت توقیر و احترام خاطر محترم جناب مستطاب اجل عالی را بمدلول مراسلات سابقه سفارت امپراطوری نمره ۴۵ مورخه ۲۴ جمادی الاولی - و نمره ۳۲ مورخه ۲۵ ربیع الثانی - و نمره ۲۹ بتاریخ ۸ ربیع الثانی هذ السنه - و نمر ۱۲ مورخه ۴ ربیع الثانی سنه ۱۳۳۳ جلب و معطوف میدارد و در این موقع احترامات فایقه را تجدید مینماید



مراسله وزارت خارجه در رد اظهارات سفارت

**نمره (۲۵)** مراسله وزارت خارجه بسفارت روس مورخه ۷ رجب ۱۳۳۳ نمره ۸۳۶ در جواب مراسله محترمه آن جناب جلالتماب عالی مورخه ۲۵ جمادی الثانی گذشته نمره ۵۷ راجع باقای امین الدوله احتراماً خاطر مودت مظاهر آن جناب جلالتماب را بمدلول و مندرجات مراسلات مورخه ۱۲ جمادی الاولی هذ السنه نمره ۱۵۸۱۳ - ۱۶۳۲ و مورخه ۲۳ ج ۲ نمره ۷۳۸ - ۲۱۶۳ معطوف داشته در رد و منع تشبثات ایشان اقوی دلیلی که علاوه بر دلایل مذکوره در مراسلات فوق در این موقع اقامه میشود همان نوشته و عرض حالی است که جناب امین الدوله در باب گفتگوی خود بامیرزا کریمخان بوزارت خارجه سپرده و در آن تصریحاً فرموده اند ( محاکم عدلیه برای رفع تشاجر و قطع دعاوی تاسیس شده هر وقت مشار الیه یا وکیل ایشان حاضر شده البته وکیل بنده نیز برای فصل دعوی حاضر خواهد بود عجب است که ایشان در عوض حاضر شدن خود یا وکیلشان در عدلیه کار گزاران آن وزارت جلیله را تصدیع داده اند و حال آنکه محاکمه اتباع داخله راجع بدیوان عدالت عظمی است بهر صورت هر وقت ایشان یا وکیلشان حاضر شوند وکیل بنده برای جواب دعاوی ایشان حاضر



است و البته رای محکمه بهر جا منجر شد برای بنده و مشارالیه جای چون و چرا نخواهد بود ( با اینحال چنانچه یقیناً تصدیق خواهید فرمود دیگر بهیچوجه شائبه ایهام و سوء تفاهمی باقی نمانده و جناب امین الدوله حق اینکه باستناد توسل و حمایت سفارت سنیه دوات برسیه روسیه از حضور در جلسات محاکمات و رسیده گی به گفتگونی که اخیراً در آن مطرح است امتناع نمایند نخواهند داشت



مراسله مسیو اتر بوزارت خارجه که وزارت خارجه در نمره ۲۷ رد و تکذیب مینماید

**نمره (۲۶)** کرامی مراسله محترمه جناب مستطاب اجل عالی مورخه ۷ شهر حال نمره ۷۸۳۶ - ۲۵۰۷ راجع باقای امین الدوله واصل دست توقیر و احترام گردید اینک دوستدار با کمال توقیر و احترام جواباً زحمت افرا میشود بطوریکه خاطر دوستی مظاهر جناب مستطاب اجل عالی مستعجراست آقای امین الدوله از اقدامات آقا میرزا کریمخان و فامیل او بسفارت امپراطوری متوسل و متحصن گردید و آقای حسینقلی خان نواب ایشان را بمواعید کثیره صریحه در باب امنیت و رفع زحمت از متحصن سفارت خارج ولی برخلاف انتظار باقای مواعید خود اقدام نمودند درموقع انقلابات اخیر آقا میرزا کریمخان مجدداً آقای امین الدوله را بانعقاد قرار داد جدیدی مجبور ساختند کابینه جناب صمصام السلطنه نظر بیاره ملاحظات حکم بابطال قرار داد نمود و امین الدوله هم بموجب حکم صریح اولیای دوات علیه که یکی از امضا کنندگان آن شخص محترم جناب مستطاب عالی میباشد قرارداد غیر مشروع اخیر را فسخ و باطل نمود چون پس از مراجعت میرزا کریمخان از قم باز بمقام مزاحمت امین الدوله برآمد این بود که سلف دوستدار جناب مسیوپاک لفسکی کوزل بموجب مراسله مورخه ۱۴ ربیع الاول ۱۳۳۱ نمره ۱۲ معاملات قرارداد دویم را بکلی منسوخ و باطل دانسته و استرداد اسنادی را که میرزا کریمخان از امین الدوله و خانم فخر الدوله گرفته بود خواستار شدند مع التاسف تا کنون اقدامی در این باب بعمل نیامد و میرزا کریمخان همه روز اسباب مزاحمت مشار الیهما را فراهم مینماید چون تشبیهات مشارالیه بعلی حسین اف و خاری لاوس و د کتر میخائیل و غیره از شعبات این قرار داد اجباری اخیر است لهذا دوستدار خاطر محترم جناب اجل عالی را باز بمدلول مراسلات خود و اسلاف خود توقیراً جلب و معطوف میدارد در اینموقع احترامات فایقه را تجدید مینماید ( اتر )



مسیو اتر وزیر مختار روس که فعلاً در طهران اقامت دارد مراسله بی اساس فوق را بوزارت خارجه مینویسد - مسوده پاره شده مراسله مزبور را بنده بدست آورده ام و در ضبط است ان پاره هارا وقتی پهلوی هم گذارده با عین مراسله مسیو اتر مقابله میشود اختلاف ندارد .

عین ان مسوده را بنظر افراد وزرانی محترم رساندم و از این ترتیب تعجب کردند تاسف خوردند - و بعد از ارائه اسناد ثابت و مدارک صحیحه من وزارت خارجه بمراسله سابق پاکوفسکی نمره ۱۸ و مراسله لاحق مسیو اتر که در فوق درج شد جواب مشروحی که تصدیق صریح بر حقیقت بنده میکند مرقوم داشت

کمان میکنم مسیو اتر هم در این باب منافع و نظر خصوصی بهیچوجه نداشته زیرا پس از اینکه وزیر امور خارجه حقیقت امر را بمدارک متقنه با ایشان فهمانیدند از مراسله بی اساس پاکوفسکی و لاحق خود پشیمان و اصرار داشتند این کار به حکمیت بگذرد . گرچه این حسن گیری است که من میکنم شاید مسئله برعکس و ایشان هم تاسی به سلف خودشان پاکوفسکی کرده باشند



فقط آقای امین الدوله و حمة روسی او بودند که در موقع مغلوبیت در مقابل حق و منطق منوسل به تهمت واقفرا و نسبت های خالی از حقیقت میشدند بعضی از ایرانیان را هم سراغ دارم که در موقع مغلوبیت های سیاسی و اخلاقی بنا بعبادت بی لیاقتی منوسل به حربه تنگین تهمت واقفرا میشوند چنانچه بخاطر دارم یکوقتی یعنی همان وقت که این قبیل مراسلات از طرف سفارت روس بر علیه من بوزارت خارجه میرسید چند نفری که یامن رقابت سیاسی داشتند در یکروز نامه بکوشه و کتابه وغیر مستقیم مرا بظرفداری و دوستی روسها متهم میکردند و در همان موقع این تهمت مضحک را جراید معتبره طهران دفاع و تحفته نمودند

چرا که همه میدانستند من در هیچ موقع با هیچ سفیری از روس - انگلیس - فرانسه - آلمان - اطریش - رفت و آمدی نداشته ام فقط با سفارت عثمانی مراوده دوستانه و خیلی ساده داشتم

وقتی هم نکراسف قونسول روس در راپورت خود به بطرو گراد و سفارت طهران مینوشت که بنده از نقطه نظر دوستی با انگلیس ها با روسها ضدیت میکردم و حال آنکه بنده وهم بخیلان من هرگز نه سابقه بد و سوء ظن به انگلیس ها داشتیم - و نه بستگی و حسن ظن -



### سواد مراسله وزارت خارجه در رد و تکذیب مراسله مسیو اتر و پاکوفسکی سفارت روس مورخه ۴ شعبان ۱۳۳۳ نمره ۱۷۲۷

**نمره (۲۷)** مراسله محترمه جناب جلالتماب عالی مورخه دهم شهر رجب ۱۳۳۳ نمره ۶۵ راجع باقای امین الدوله و آقای میرزا کریمخان و مسئله لشت نشاء واصل دست احترام گردید نظر باینکه جریان این امر حقوقی و متاسفانه دیر گاهی است وسیله مذاکرات و تبادل مراسلات بین آن سفارت محترمه و وزارت امور خارجه شده و انواع مشکلات برای دولتین ذی شوکتین فراهم کرده با موقع سفارت و نظر حق بین ذات عدالت دوست جناب جلالتماب عالی مصادف آمده دوستدار اطمینان کامل دارد که پس از بیان حقیقت و کشف ماجراء و احاطه و اطلاع جناب عالی بگذارش و کیفیات این مسئله و حل امری که يك مدت متمادی اوقات اولیای دو دولت را بخود اشتغال داده است کاملا موفقیت حاصل گردد بتوضیح حاجت ندارم که آقای امین الدوله و آقای میرزا کریمخان هر دو رعیت ایران لشت نشاء نیز خالصه دولت بوده و باقای امین الدوله رسیده که هر معامله بین آنان بهر صورت منعقد شده و آن معامله تولید عقده کرده باشد بالطبع حل آن حقا بدولت ایران عاید است در این مقدمه که آقای امین الدوله دعوی مظلومیت کرده و اجبار در معامله را وسیله تحصن خود در آن سفارت امپراطوری قرار داده البته همیشه دعاوی ایشان تحت نظر دقت و عدالت نگریسنه آید مسئله روشن و قطعا مشکلات مرتفع میگردد

در قسمت اولی مراسله محترمه که بتحصن آقای امین الدوله اشاره فرموده اند مراتب از این قرار است که معزی الیه در تاریخ ۱۳ شعبان ۱۳۲۷ در آن سفارت امپراطوری پناهنده شده و بموجب مشروطه که بمیل خود بدولت ایران نوشته و - سواد آن ملفوف یاد داشت وزارت امور خارجه مورخه ۱۹ ذیحجه ۱۳۲۷ نمره ۳۱۳ که بان سفارت محترمه ارسال شده است خود را از تحصن خارج نمود و در ۶ صفر ۱۳۲۸ در تحت یاد داشت نمره ۴۲ از طرف آن سفارت امپراطوری تصدیق شده که مشار الیه واقعا و بطیب خاطر از تحصن خارج گردیده است باین ترتیب نکیه آقای امین الدوله يك همچو تحصن که سابقا بطیب خاطر از خود سلب کرده است بموجب اسنادی که در دست است نه مستند بسوء رفتار میرزا کریمخان و فامیل او بوده و نه متضمن يك مواعید صریحه از طرف آقای حسین قلی خان نواب که بعدها بایفای مواعید خود اقدام نکرده باشند سهل

است مستنداً تصریح میکنم که آقا میرزا کریمخان آن وقت در طهران نبوده است . اینکه در قسمت دوم مراسله محترمه فوق با اشاره بمراسله مورخه نمره ۱۳ بسفارت محترمه اشعار فرموده اید آقای میرزا کریمخان عنفاً آقای امین الدوله را بانعقاد قرار داد مجبور نموده اگر درست موقع وقت و تاریخ قرار داد را با اطلاع خاطر محترم آن جناب جلالتماب برسانند و ملاحظه فرمایند تاریخ قرار داد اخیر ۱۴ محرم ۱۳۳۰ بوده و آن وقت موقع طهران طوری نبوده است که کسی چیراً بتواند کسی را ملازم و مجبور بانعقاد قرار دادی بنماید بعلاوه از روی اسناد آشکار است معامله آقای امین الدوله و آقای میرزا کریمخان در عمل لشت نشاء موافق قرار داد های دیگر در آخر ۱۳۲۴ - الی ۱۳۳۰ در جریان و اسناد و قرار داد های مرتب در دست طرف اوست در آخر ۱۳۲۳ اجاره لشت نشاء بمیرزا کریمخان و آقای حاجی میرزا خلیل برادر جناب حاجی شریعتمدار رشتی واگذار شده در سنه ۱۳۲۵ بمخواستش آقای امین الدوله آقایان شیخ الاسلام و عمید السلطان را هم در عمل اجاره شرکت داده اند و آقا میرزا کریمخان محض مساعدت با آقای امین الدوله قبول شرکت آن دو نفر را نمود عقد اجاره در ۱۳۲۵ با اسم چهار نفر واقع گردید که مفاسد در دست دارند بعد در سنه ۱۳۲۷ آقای امین الدوله ترقع کرده اند عمل اجاره لشت نشاء یکجا با خود میرزا کریمخان بوده و او خود با سایر شرکاء طرف دادوستد و گفتگو و با آقای امین الدوله شخصاً طرفیت در عمل داشته باشد در حالتی که شرکت سایرین جزء معامله آقا میرزا کریمخان برقرار و بجای خود باقی باشد اینکه درمراسله نمره ۱۲ جناب جلالتماب مسیو پاکوفسکی اشاره شده است که امین الدوله و عیالشان منجوراً لشت نشاء را بمیرزا کریمخان اجاره داده اند بعد از ملاحظه اسناد معلوم خاطر نصفت مظاهر عالی خواهد شد که مسئله را بعدها بان سفارت محترمه بطور اشتباه نمایش داده اند زیرا در آن زمان میرزا کریمخان در طهران نبوده و بر حسب خواهش آقای امین الدوله و حضرت اشرف آقای سپهدار اعظم بوسیله تلگراف از میرزا کریمخان در رشت توقع می کند که بجناب مستطاب آقای سردار منصور اختیارات بدهند از شرکاء نیز اختیار بگیرند که معامله و گفتگوی لشت نشاء از مطالبات و اجاره و غیره را آقای سردار منصور در طهران با آقای امین الدوله تسویه نمایند میرزا کریمخان اختیار داده از رشت بفرنکستان بیرون آقای سردار منصور از روی اختیاراتی که از میرزا کریمخان تحصیل می کند عمل اجاره لشت نشاء را با آقای امین الدوله تمام مینمایند که قبولی اجاره در نزد آقای امین الدوله ضبط و امضای آقای سردار منصور میباشد با این تفصیل بی شبهه تصدیق میفرمائید که نسبت اجباری درین معامله بمرتداست - پس از اینکه ازین معامله ( که آقای سردار منصور از طرف میرزا کریمخان کرده اند ) دو سال میکذرد و در هر سال میرزا کریمخان بقرار داد خود رفتار و از آقای امین الدوله مفاسد میکبرد باز آقای امین الدوله بخیال فسخ این معامله با رضایت آقا میرزا کریمخان و شرکای او بر میاید . همینکه میرزا کریمخان از فرنکستان برشت مراجعت میکند همچو تکلیفی باو از طرف آقای امین الدوله شده و او هم بشرايطی حاضر قبول میشود . آقای امین الدوله از طهران برشت میروند و در آنجا بقیه معامله را که بمدت بیجسال بوده بشرايط و حق الفسخ معین و فسخ می نمایند ضمناً هر مطالبات محلی مستاجرین هم جزء شروط فسخ معین گردیده که طرفین از آن قرار رفتا نمایند . شرايط فسخ از این قرار است

اول مطالبات محلی میرزا کریمخان و شرکاء بهر میزان باز دبد و تخصیص شد از سالی در سالی پنج هزار تومان توسط یکنفر ثالث که از پنج نفر ذیل باشد طومانیاس در بایگی گیلانی آقای سردار منصور خریلاوس آفندی بانک استقراضی پردازد که میرزا کریمخان با امین الدوله طرفینی نداشته باشد

دوم بقیه حق الفسخ که قریب بیست و نه هزار تومان و کسری بوده است بمحل حواله نموده در صورت سوخت و لاوصولی هر چه شد پنج نفر فوق ضامن باشند در ظرف دو سال برسانند و در اول محرم ۱۳۳۰ یکنفر از ضامن

های فوق باید حاضر شده شرایط مزبور را اجراء نمایند تا میرزا کریمخان و شرکای او محل را تخلیه و بید تصرف امین الدوله بدهند. و الا شرط شده است که محل در مدت دو سال بهلاوه سالی سه هزار تومان در اجاره میرزا کریمخان و شرکاء بوده باشد که حق الفسخ و مطالبات محلی را در ظرف دو سال باقسط معین بر داشت نموده بقیه را بامین الدوله پردازد. در اول محرم ۱۳۳۰ که موعد انقضا وقت بود آقای امین الدوله حق الفسخ و مطالبات رانه پرداخته و هیچیک از ضامنهارا هم حاضر ننمود بهلاوه در راس وعده پای قرار داد مذکور را که فوقاً شرح داده شده امضا مینمایند که چون نتوانستیم بشرایط فوق عمل کنیم مدت دو سال دیگر که عبارت از ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ باشد بشرایط متن قرار داد در اجاره میرزا کریمخان و گذار نمودم با ذکر شرح فوق که همه مستند بقرار دادها و تلکرافها و مشروحات مفصله و مفاسد حسابها میباشد تصدیق مینمایند که از طرف میرزا کریمخان و شرکای او هیچ اشکالی در عمل اجاره و آنچه عهده دار بوده اند فراهم نشده و عمل آنها مرتب در دست هست اینکه در قسمت اخیر مراسله مرقوم مینمایند در موقع انقلابات اخیر آقای میرزا کریمخان مجدداً آقای امین الدوله را بانعقاد قرار داد جدیدی مجبور ساخته اند بانهایت احترام زحمت افزاست که موقع قرارداد جدید اخیر بانقلاب تصادف نکرده و در ۱۴ محرم ۱۳۳۰ و ضمیمت آن اوقات ایران خصوصاً طهران طوری نبوده است که احدی را مجبور بامضای قرارداد اجاری نمایند خصوصاً آقای امین الدوله که البته اگر حالت اجباری در خود مشاهده میکردند همان تشبثات اولیه را تجدید می کردند در اینصورت هیچ سابقه در اجبار ایشان نبوده و نیست بالجمله چون مسئله اجاره ۱۳۲۷ که در مراسله نمره ۱۲ آن سفارت محترمه بدان اشاره شده است دو سال باقی بوده مابین آقای میرزا کریمخان و آقای امین الدوله قرار دادی منعقد و سه سال بر مدت اجاره سابق افزایش میدهند این افزایش بجز آن پانزده هزار تومان وجهی است که بهلاوه مطالبات و حق الفسخ میرزا کریمخان دستی باقی امین الدوله داده که بدون فرع در مدت پنجسال از اقساط لشت نشا که باید بامین الدوله بدهند کسر نمایند بهلاوه یکی دو فقره معامله برای رفع کفتگوی آقای امین الدوله با خریلاوس از لشت نشا با خریلاوس نماید ( علت معامله با خریلاوس این بوده که چون خریلاوس یکی از پنج نفر ضامنهای عمل لشت نشا بوده او را در طهران حاضر کرده بودند که معامله با آقای میرزا کریمخان را بشرایط مقرر در قرار داد ضمانت نمایند چون عمل اجاره با خریلاوس بهم خورد یکی دو فقره معامله میرزا کریمخان با خریلاوس بتصویب و امضای امین الدوله نمود ) و عقد اجاره پنجساله بسته شد و میرزا کریمخان داخل در عملیات شده در محل مایه گذاری نمود پس از دو سه ماه آقای امین الدوله بتوسط حضرت سید ااعظم باز در خیال فسخ معامله بر آمده و خواستند قراری اتخاذ بکنند که حق الفسخی بهلاوه مطالبات و سوخت محل و غیره و بولی که جدیداً گرفته است بدهند آقا میرزا کریمخان قبول نکرده در حال خود بقی مانده حالا اگر آقای امین الدوله بر وفق مرام خود حکمی از دولت در دست داشته باشد میتواند گفت حکم از برای معاملات مابعد بوده نه ماقبل اگر قبل از حکم مزبور معامله کرده خود مسئول و اگر پس از تاریخ حکم معامله کرده باشند باز طور دیگر مسئولیت دارند که نسبت باین اقدام اولیای دولت ایران و کار گذاران سفارت امپراطوری را اینطور دچار زحمت مینمایند

در خاتمه زائد نریده توجه خاطر محترم عالی را باز معطوف بمدلول مراسله آن سفارت محترمه می نماید که در آن قید شده است ( امین الدوله را مجبور ساختند مجدداً قرار دادی در امتداد مدت اجاره با آنها منعقد سازد و مقصود از مدلول این قرار داد جدید این بود که جناب امین الدوله و عیالش بکلی لاشی و بی چیز شوند ) و ضمناً باز مرقوم شده است ( بتصویب اولیای دولت علیه ایران اجاره بکنفر از اتباع محترم روس داده شد باعث اسوده گی امین الدوله گردید ) بضرورت نمیدانند توضیح دهد که اگر آقای امین الدوله لشت نشا را با آن سوابق بدیگری واگذار نماید حین تحقیق معلوم خاطر محترم عالی خواهد شد که قرار داد ایشان



با آقای میرزا کریمخان در صرفه موجر نافعتر از قرار داد ایشان یا دیگران بوده است و اینکه در ذیل مراسله مزبوره باز مرقوم شده است که ( بعد از مراجعت میرزا کریمخان و سردار محیی بطهران کوبا تصویب بعضی از اعضای کابینه سابق باز بجناب امین الدوله و عیالشان بنای ظلم و زیاد روی را گذارده از آنها مطالبه خسارت فسخ اجاره و مطالبات غیر منصفانه دیگر مینمایند ) انصاف و عدالت جنابعالی مصدق این معنی خواهد بود که وقتی میرزا کریمخان قبل از رفتن قم و بودن لشت نشاء بتصرف او بدولت متبوعه خود تظلم از رفتار آقای امین الدوله مینماید که میخواهند بناحق لشت نشاء را بدیگری بدهند و بعلاوه پس از رفتن بقم کتباً و تلکرافاً باولایای دولت شکایت میکند همینکه با آقای امین الدوله مراجعه میشود ایشان رسماً مینویسند که من و میرزا کریمخان هر دو تبعه ایران و در حکم محاکماتی ایران عوض اینکه میرزا کریمخان و کیل عدلیه بفرستند بتلکراف و عرایض باولایای دولت تثبیت مینمایند و کیل من در طهران حاضر است با و کیل میرزا کریمخان در عدلیه حاضر شده و هر حکمی در حق طرفین صادر شود جای چون و چرا برای احدی نخواهد بود پس از مراجعت از قم با اولایای دولت بایشان تلکراف میکنند ایشان هم تلکرافاً با اختیارات تامه حضرت علیه خانم فخر الدوله را و کیل مینمایند و خانم فخر الدوله رسماً مینویسد صکه در عدلیه هر قراری برای آقای امین الدوله و میرزا کریمخان بدهند جای چون و چرا نیست . بدارالتب فوقی روقی بخوبی دقت شود معلوم میگردد که مراسله نمره ۱۴ آن سفارت سنیه که تاریخ آن پس از چهارده ماه گذشتن از این معاملات و اقدامات میرزا کریمخان و حاضر شدن آقای امین الدوله و خانم فخر الدوله برای محاکمه در محاکم عدلیه صادر شده هبنی برچه تشبثاتی است

بعلاوه پس از ایصال مراسله نمره ۱۴ بوزارت خارجه از طرف ژنرال قونسولگری روس معامله که عمل همان اجاره میرزا کریمخان و آقای امین الدوله با حسین علی اف شده جداً درخواست محاکمه در آن نمودند و یکی دو جلسه هم در محاکمات تشکیل محکمه شده و اخیراً هم آقای امین الدوله نوشته بوزارت خارجه سپرده و هبشی که دولت ایران برای حل این اجاره و معاملات لشت نشاء راجع بمیرزا کریمخان و ادعای خزیلاوس در همین بابت تشکیل داده آقای امین الدوله قبول نموده و سند بدولت سپرده و دو مجلس هم رسیده گی شد در این صورت اینکه در مراسله آن سفارت محترمه نمره ۱۴ مرقوم شده است اسناد میرزا کریمخان را دولت مجبوراً مسترد بدارند بی شبهه خاطر جناب جلالتمات عالی تصدیق دارد که این رفتار نسبت بهر کس باشد بیرویه و خارج از موازین حکومت است و اینکه در مراسله آن جناب جلالتماب اشعار شده است ( که تشبثاتی میرزا کریمخان علی حسین اوف و خزیلاوس و دکتر میخائیل و غیره از شعبات معامله اجباری اخیر است ) لزوماً تصدیق میدهد که معاملات خزیلاوس و دکتر میخائیل از قبل بوده چنانکه اسناد و مطالبات آنها از ۱۳۲۷ بهر کار گذاری کیلان است و درین معامله اخیر یک فقره از معاملات اخیر میرزا کریمخان و خزیلاوس را که برای آقای امین الدوله بوده است خود آقای امین الدوله امضا کرده اند اگر اسنادی در دست خزیلاوس و دکتر میخائیل تبعه فرانسه باشد دولت ایران قبل از محاکمه صحت یا سقم آنها را نمیتواند تصدیق نماید مگر اینکه محکمه از روی دلائل آنها را رد نماید فقط موافق مراسله آن جناب جلالتماب ممکن است عمل علی حسین اف تبعه آن دولت بهیه بطوریکه مرقوم فرموده اند کان لم یکن فرض شود با این تفصیل چون موافق شرحی که آقای میرزا کریمخان بوزارت امور خارجه نوشته است که سوادش لغاً ارسال میشود و امید است بموافقیت جنابعالی که مسئله بحکمیت خاتمه حاصل نماید دوستدار انتظار دارد که جناب جلالتماب عالی تایید فرموده و بترتیب حکمیت که بهترین صورت برای انجام این امر و اجرای عدالت است اینکار خاتمه حاصل کند که سفارت سنیه بوزارت امور خارجه از این بابت کاملاً فراغت حاصل نمایند با انتظار حسن موافقت و تاییدات جناب جلالتماب عالی احترامات فایقه را تجدید مینمایند

مراسله جامع فوق وزارت خارجه در حقانیت بنده و کذب مفتریات آقای امین الدوله جای شبهه برای احدی باقی نمیگذارد - وزارت معزی الیها اظهارات سراپا کذب و تهمت سفارت روس را که از طرف امین الدوله و چند نفر متشبثین حماة امین الدوله تلقین شده بود تجزیه و تفکیک کرده و پس از رسیدگی با اسناد و مدارك بنده قسمت های مزبور را فردا فرد جواب داده است بنده نیز برای مزید اطلاع خوانندگان بدرج باره اسناد و مدارك خود که مؤید (۱۷) قسمت اظهاریه وزارت خارجه است بشرح ذیل میردازد - و از نکارش سایر اسناد مشبهه خود فعلا صرف نظر میکند

(۱) اول اینکه سفارت روس مینویسد در ۱۳ شعبان ۱۲۷۷ تمام اقتدار و اختیار دولت در دست آقای حسینقلی خان نواب بوده لازم بتوضیح نمیدانم که در آن تاریخ کابینه حضرت آقای سپهسالار اعظم بعصویت مرحوم میرور سردار اسعد و حضرتان شاهزاده فرمان فرما و آقای وثوق الدوله و آقای سپهبد اعظم روی کار بود و تا چند ماه بعد از آن تاریخ هم باقی بودند پس از سقوط ایشان کابینه آقای مستوفی الممالک زمام حکومت را در دست گرفت و آقای حسینقلی خان نواب در کابینه مزبور سمت وزارت خارجه را داشتند

(۲) دویم عدم حضور بنده در طهران

تلگراف حضوری حضرت اشرف آقای سردار منصور در باب حاج امین الدوله مطلب همان است که عرض کردم وقتی (۲) پارلمان دائر شد و وزیر عدلیه را پارلمان معین کرد خواهیم اظهار عرایض خود را کرد البته هر وقت باشد گفتگوی خود را خواهیم عرض کرد اگر هم بمن نرسد ورئه بنده فحتملی عمو و غیره خواهند گرفت حالا هیچ دخالت و حرف ندارم تا مملکت آرام شود آنوقت  
عبد الکریم



(۳) سوم واکذار شدن املاک لشت نشاء در اواخر ۱۳۲۴ به بنده و جناب آقای حاج میرزا خلیل

تلگراف از طهران . برشت نمره ۱۲۲ بتاریخ شب ۱۷ شهر رجب قوی ثیل ۱۳۲۴ توسط حاج شفیع خان خدمت جناب جلالتماب اقامیرزا کریمخان دام اقباله هر چه انتظار میبرم از جناب عالی خبری نمیرسد حاصل از میان رفت تکلیف چیست فردا مخلص محل ایراد نخواهم بود محسن  
تلگراف از قزوین به رشت نمره ۴۰ بتاریخ ۲۵ شهر شعبان قوی ثیل ۱۳۲۵ جناب اجل آقامیرزا کریمخان پنجشنبه وارد فوری حرکت  
امین الدوله



(۴) چهارم شراکت جنابان آقایان شیخ الاسلام و عمید السلطان

تلگراف حضوری شیخ الاسلام - حضرت اشرف آقای حاجی امین الدوله

حضرات لشته نشائی را رشت خواسته بودیم امیدوار بمراحم حضرت اشرف و آقایان مستاجرین معاودت کردند سه شبه باتفاق جناب عمید السلطان برای وصول مال الاجاره و باقی مانده پوله لاسقایدیس به لشت نشاء میرویم امید است کارهای عقب افتاده بزودی اصلاح شود و اگر عمل لاسقایدیس نکذرد يك روز عقب تر ناچارم بنده بروم جناب اقامیرزا کریمخان درین راه دیدم عرض بنده کی میرساند و خاطر مبارک را اطمینان میداد کارها انشاء الله اصلاح خواهد شد  
سید محمد

جواب امین الدوله

حضرت شیخ الاسلام ممنون شدم که لشت نشائی ها عودت دادید اگر حضرتعالی برای کار لاسقایدیس يك روز عقب تر حرکت میفرمائید جناب عمید السلطان را معجلا روانه فرمائید طول نکشد عباسعلی خان بی تکلیف مانده البته